

قهرمانان ایمان

یکشنبه مدرسه

WOW



کتاب معلمین
برای تمامی سنین

قهرمانان ایمان



برنامه درسی مدرسه یکشنبه‌ها؛ کاری از گروه «بچه‌ها مهم هستند»

کتاب معلمین

برای تمامی سنین

بخش دوم: دروس 1 تا 13 (14 تا 26)

Web: www.ChildrenAreImportant.com/heroes/

از تمام اعضای تیم «بچه‌ها مهم هستند!» نهایت تشکر و قدردانی را دارم

ویرایشگر: Kristina Krauss

تیم خلاقیت: Abril Palacios Camacho, Areli Zuriel Salinas Sanchez, Dwight Krauss, Jennifer Sánchez Nieto, Julio Sánchez Nieto, Mike Kangas, Monserrat

Duran Díaz, Suki Kangas, Verónica Toj, and Vickie Kangas.

با تشکر ویژه از Rubén Darío برای موسیقی بی نظیرش در این برنامه.

ترجمه: alineviera, Annupama Wankhede, Anton Klymyk, Araz Mammadzadeh, Aroma Publications and Media, Arturo Jr Boron, blackybass36, Blessy

Jacob, Carmela Dawn Flores, chiqr, Chrisbresnahan, climartins, David Raju, Ephraim Njuguna Mirobi, Finny Jacob, Geenav, freedomrun, HamidReza

Azimi (hamid.azimi1364 at gm#ail com), Heyaudrey, highlancer, hoshi_luo, I-clever.com, iqbalman, Jacob Kuruvilla, kamilturk, Karunguru Mwangi,

kaushaljalati, kittu586, maitrayi, Marco Chu, Marcos Rocha, Mathew Das, Mitesh Mandaliya, mrramlama, Mrs.Geethashree NavaneethaKrishnan, Nassim

Bougtaia, nicbenk, Paul Mwangi, Paul Septan, Rana922, Rubina Rai, Safdar, shahroshan15, Talento-Unido, ueritom, Verdia Juliansyah Cancerika, Zeina

Mirella Barzaga Arencibia

به دومین درس «قهرمانان ایمان» خوش آمدید!

زمانی که درباره ایمانمان با «قهرمانان» مختلف از دوره های باستان آشنا می شویم، مهم است که بدانیم ایمان خود را کجا بنا می کنیم و حالا می خواهیم تمرکز خود را بر روی درس دوم قرار دهیم. وقتی روی یک سندلی نشسته ایم، باور داریم که سندلی ما را نگاه داشته است و نخواهد شکست و ما را به زمین نخواهد انداخت، با توجه به میزان استقامت سندلی، باور خواهیم داشت که آن ما را به زمین نخواهد زد. این حقیقت، درست همانند ایمان به خداوند است. ایمان ما ساده و واضح خواهد بود اگر که بدانیم خدا چه کسی است. ما باید بدانیم که خدا چه کسی است، و وقتی این را بدانیم به آرامش می رسیم. همانطور که معتقدیم سندلی ما را نگاه می دارد، نیاز داریم که بدانیم خدا کیست و این اوست که پشت و پناه ماست. آیات این درس در وهله اول بر این تاکید دارند که ما اعتقاد داشته باشیم که خداوند وجود دارد، خدایی هست! ما می توانیم در این سیاره تنها باشیم، خداوند این جهان و ما را آفریده است. دوماً، ما نیاز داریم تا اعتقاد داشته باشیم که او به پیروانش پادشاه های باارزش خواهد داد. ما نیاز داریم که بدانیم که کتاب مقدس درباره خداست. از طریق این کتاب با داستان های دوره ی کهن باستان سفر خواهیم کرد، اما در حال حاضر تمرکز ما در مورد خود خداوند است. چه چیزی از شخصیت خداوند خواهیم آموخت، او کیست و چگونه در موقعیت های مختلف رفتار می کند؟ هر چه بیشتر در مورد خداوند بدانیم، ایمانمان قوی تر خواهد شد. این کار، روشی خوبی برای قردانی از خداوند خواهد بود زیرا در آیه ی اصلی آمده است...

« و بدون ایمان، راضی نگاه داشتن خداوند غیر ممکن است، زیرا هر کسی که سراغ او می آید اول باید بداند که خدایی وجود دارد و به همین دلیل است که او به پیروان خود پادشاه و مزدی گرانها خواهد داد.» عبرانیان 11:6

در نهایت سوابهایی را جهت بازی تحت عنوان «بازی قهرمان»، 3 بار در این درس آورده ایم. پیشنهاد می کنیم بازی درس های 4، 8 و 13 را انجام دهید. به عنوان مثال، یک ساعت بعد از کلاس را به بازی اختصاص دهید و یا روز جداگانه ای را برای این فعالیت در نظر بگیرید. یک معلم، از این فعالیت به عنوان ابزاری جهت آموزش کودکان باید استفاده کند.

جهت حمایت و پشتیبانی شما، دستورالعمل ها و دیدگاه های درس یک را آورده ایم تا بدانید که چگونه و از چه طریقی از مطالب آموزشی هر بخش استفاده کنید. امیدواریم این دستورالعمل به شما کمک کند تا از این برنامه در کلاس خود استفاده کنید تا بتوانید زندگی کودکان را دگرگون سازید.

در این درس، ما شما را به چالش رسیدن به خدای متعال دعوت می کنیم، خدایی که این جهان را آفرید، کسی که از عهد باستان بوده است و در حال حاضر نیز زنده است و در میان ما حرکت می کند.

باشد که خداوند زندگی شما را که به کودکان اطراف خود کمک می کند تا «قهرمانان ایمان» خود شوند، بیامزد.

تقدیم با عشق،

اعضای تیم «بچه ها، مهم هستند!»



چگونه از این مطالب استفاده کنیم

☀ شرح نیاز / نتیجه

«معلم خوب کسی نیست که دانش خودش را به دانش آموزانش انتقال دهد، بلکه کسی است که علایق آنها را بیدار کند و به آنها بیاموزد که مشتاقانه علایق خودشان را دنبال کنند» - م.ج. بریل



شما باید نه تنها به دانش آموزانتان در کلاس درس توجه داشته باشید، بلکه باید توجه کنید که آنها هرآنچه را که آموخته اند در زندگیشان به کار ببرند، آنها به یک انگیزه برای این کار نیاز دارند. بسیاری از افراد با دادن شیرینی و جایزه به بچه ها یا تنبیه آنها در صورتی که بی توجه باشند، سعی می کنند به آنها انگیزه دهند. این دو روش باعث می شود که آنها در کلاس رفتار خوبی را داشته باشند، اما به آنها انگیزه ای نمی دهد که اصولی را که یاد گرفتند همین که به خانه برگشتند در زندگی خودشان به کار گیرند. ما به عنوان معلمان کودکان در کلیساهای مسیحی، آنها را سرگرم نمی کنیم که مزاحم ملاقات های بزرگسالان نباشند، بلکه ما تلاش می کنیم که نسل معتقدی را پرورش دهیم که از خداوند پیروی می کند، او را می شناسد و به او خدمت می کند. اگرچه این کار دشواری برای هر یک از ماست، اما نکته جالب در اینجاست که خداوند بیشتر از ما مراقب همه ی بچه ها است و او به ما قدرتش را می دهد تا ادامه دهیم و خردش را اعطا می کند تا زندگی هر یک از این بچه ها را برانگیزیم و تقویت کنیم.

ما به منظور کمک کردن به شما در انگیزه دادن به دانش آموزانتان، در ابتدای هر درس یک «شرح نیاز» قرار داده ایم تا به دانش آموزان کمک کنیم که نیازشان را به خداوند درک کنند و بتوانند هرآنچه را که یاد میگیرند در زندگیشان به کار ببرند. هرکدام از این شرح نیازها شامل یکی از 5 شخصیت داستانی می شود که ما خلق کرده ایم. لطفا در صورت تمایل نام اسم آنها را تغییر دهید. یک ایده می تواند خواستن یک داوطلب برای نمایش دادن هر کدام از داستان ها در طول هر هفته باشد. اگر این کار عملی نبود، شما می توانید به سادگی این داستان ها را با صدای بلند برای بچه ها بخوانید. شما می توانید از بچه ها بخواهید که نظراتشان را بر حل مشکل هر کدام از داستانها مطرح کنند. به آنها نگوئید که نظر آنها بد یا

خوب، اشتباه یا نادرست بوده است، و هیچ راه حل دیگری نیز به آنها ارائه ندهید. از این مشکل حل نشده برای جلب توجه ی دانش آموزان به درس استفاده کنید. بخش نتیجه گیری، بخش بعدی درس است. اگر بچه ها برای مدت زمان زیادی نشسته اند، قبل از بخش نتیجه گیری، فعالیتی را انجام دهید. هر موقع آماده بودید، درباره ی «شرح نیاز» به بچه ها یادآوری کنید و سپس از بازیگرانی برای نشان دادن نتیجه استفاده کنید یا آن را به سادگی برای بچه ها روایت کنید. این بخش، مشکل موجود در شرح نیاز را حل کرده و می تواند به بچه ها درباره ی مشکلی که با آن در مدرسه یا خانه روبه رو هستند کمک کند. بدین روش شما می توانید به بچه ها انگیزه ای بدهید که از درسهایی که آموخته اند در زندگی روزانه شان استفاده کنند!



☀ درس اصلی

این برنامه ی درسی درواقع بررسی مطالعات عهد عتیق است. در بسیاری از درس ها، ما تمام زندگی یک فرد یا یک قهرمان را در کتاب مقدس بررسی می کنیم. شما به عنوان یک معلم هم می توانید از این درسها به عنوان آموزشی برای خودتان استفاده کنید و پیامهای کتاب مقدس را که بر اساس زمان در این کتاب لیست شده اند را بخوانید تا بینش جدیدی در این باره بگیرید. خلاصه ای از زندگی هر قهرمان در درس اصلی بیان شده است. شما می توانید آزادانه از بچه ها بخواهید که اطلاعات اضافه ی خودشان را درباره ی زندگی آن قهرمان بیان کنند، تا توجه آنها را به درس جلب کنید.

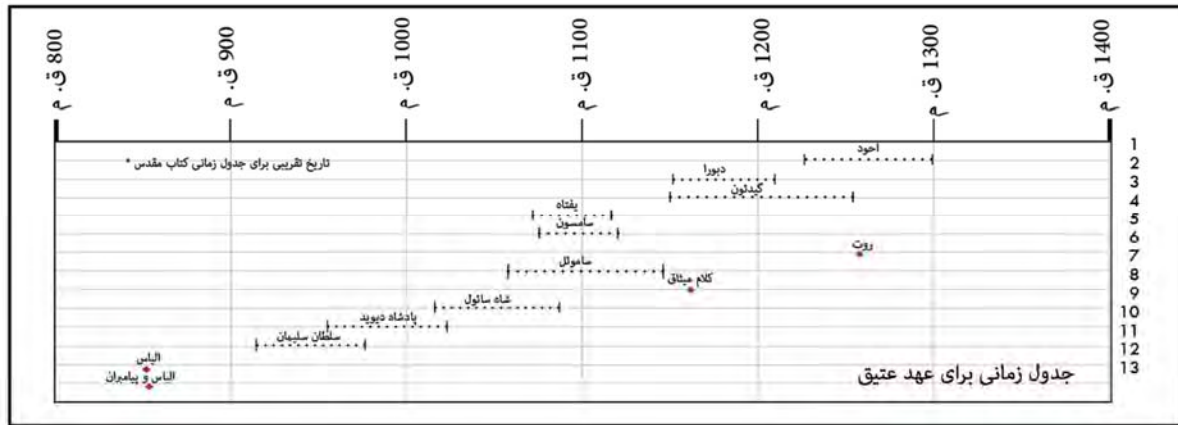
لطفا سعی کنید که بخش داستان کوتاه باشد تا زمان کافی برای بیان نکته ی اصلی یا برنامه داشته باشید. در انتهای هر درس بخش تصمیم گیری برای بچه ها وجود دارد. این تصمیم گیری اصلی ترین بخش کل درس است که مثل یک گل در بازی فوتبال می ماند. اگر شما خوب بازی کنید، و مانع از این شوید که تیم مقابل توپ را از شما بگیرند، اما هیچ وقت گلی به ثمر نرسانید، درواقع بازی را نبرده اید. مطمئن شوید که بخش اصلی درس را انجام داده اید و به بچه ها کمک کرده اید که این مهارت را در زندگیشان عملی کنند. در آیه جیمز 1: 22-24 ما می خوانیم که «فقط به این کلمات گوش ندهید و خودتان را فریب دهید. آنچه را که می گوید عمل کنید. هرکسی که به این کلمات گوش می دهد اما به آن عمل نمی کند همانند فردی است که به چهره اش در آینه نگاه می کند اما به محض اینکه از جلوی آینه کنار می رود



فراش می کند که چهره اش چگونه بوده است». در قرنهای 10 ما داستانهایی را درباره ی عهد عتیق خوانده ایم که به ما نشان می دهد چه کارهایی را باید انجام دهیم و چه کارهایی را نباید انجام دهیم. نگاه کردن به قهرمانان عهد عتیق مثل نگاه کردن به خودمان در آینه است و به ما فرصتی برای یادگرفتن از زندگیشان را می دهد. بیایید به بچه ها یاد دهیم که همانند آنها زندگی کنند و از اشتباهاتشان درس بگیرند و برای خداوند زندگی کنند.

زمانبندی

هر هفته بچه ها خطی را بر روی جدول زمانبندی که جهت نمایش زندگی قهرمانان کتاب مقدس آمده است، می کشند. به عنوان مثال، درس یک، آن ها در مورد زندگی ایهود می خوانند و ردیف یک که متعلق به درس یک است را خط می زنند. از اعداد ارائه شده در آن درس استفاده کنید، هدف این است که بچه ها محاسبه کنند که خط باید از کجا شروع شود و چقدر باید ادامه داشته باشد. هر مربع 100 سال را نشان می دهد. به عنوان مثال، زندگی ایهود درست بعد از 1300 قبل از میلاد شروع شده است و تقریباً تا 4/5 دوره ی 1200 قبل از میلاد ادامه داشته است. دانستن زندگی هر کدام از این قهرمانان و با خبر شده از جزئیات زندگی آن ها، هیجان انگیز است. درست مانند این حقیقت که قاضیان دبوراً و گیدئون در یک دوره زندگی می کردند و از طرفی یفتاح، سامسون و ساموئل نیز در یک دوره زندگی می کردند.



تکلیف

ابزار دیگری که به شما کمک می کند تا به بچه ها یاد دهید که به درسهایی که یادگیرند عمل کنند، تکلیف خانه در هر هفته است. هر درس دارای فعالیتی است که بچه ها می توانند در اواسط هفته آن را انجام دهند.

در آیه ی یوحنا 14:23، عیسی بیان کرده است «هرکسی که مرا دوست دارد از آموزش من اطاعت می کند. پدرم هم آنها را دوست خواهد داشت و خانه ی من را با آنها خواهیم ساخت.»

بچه ها به وسیله ی این تکالیف می توانند خدا را نه فقط در کلیسا بلکه در هفته وارد زندگیشان کنند. برای دانش آموزان بزرگتر، یک تکلیف خواندن نیز در کتاب مقدس وجود دارد. چند دقیقه از کلاس را به تکالیف خانه اختصاص دهید و به آنها فرصتی برای تمرین و بحث در باره ی این تکالیف بدهید. به آنهاپی که هفته ی گذشته مهاریشان را کامل انجام داده اند با یک شکلات و یا جایزه کوچک پاداش بدهید.

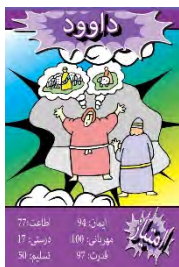


حضور/ بازی قهرمانان

این بازی شامل مجموعه ای از کارتها می شود که به بچه ها برای حضورشان در کلاس جایزه داده می شوند. این کارتها می توانند کارت و یا برجسپهای حضور باشند. علاوه براین می توان به عنوان یک بازی آن را در نظر گرفت! در پایان هر فصل (13 درس یا 3 ماه) بچه ها می توانند با این کارتها بازی کنند، دستورالعمل بازی را برای اطلاعات بیشتر بخوانید:

بازی جایگزین:

از بچه ها بخواهید که بر روی یک تکه کاغذ عدد 1 تا 10 را بنویسند. سپس معلم می تواند هر کدام از 10 سوال پیش فرض را که در دستورالعمل بازی آمده است، از آنها بپرسد. برای هر سوال، دانش آموزان باید بنویسند که کدام ویژگی یا کیفیت در آن شرایط و موقعیت مورد نیاز است: قدرت، کمال، اطاعت، جرات یا ایمان. هر کسی که تعداد بیشتری را درست حدس زده باشد یک آبنبات یا جایزه کوچکی را برنده می شود.





خداوند پاسخ نمازگزاران را می دهد

داستان کتاب مقدس: ایهود

ایهود : داوران: 30-12:3

داستان نیاز



نگران هیچ چیز نباشید، بلکه همیشه در هر مورد با دعا و مناجات و سپاسگزاری تقاضاهای خود را در پیشگاه خدا ابراز نمایید
فیلیپیان 6:4



داستان نیاز 1



تقریباً یک سال بود که احساس بدی داشت، و حتی با خودش نیز درگیر بود، او نمی توانست مانع خود در تماشای برنامه های Buzz تلویزیونی شود که برایش مناسب نبودند و خودش نیز به خوبی از این موضوع آگاه بود. او همیشه به خود می گفت: « دیگر آن برنامه ها را نگاه نمی کنم، چون اصلاً مناسب من نیستند و خداوند از من ناخشنود خواهد بود.» اما هر روز با وجود این وعده ها، او خود را همچون تسخیر شده ها، نشسته در مقابل تلویزیون می دید، تا اینکه روزی متوجه شد نمی تواند جلوی خود را بگیرد و بر خود پیروز شود. به همین دلیل شروع به راز و نیاز با خداوند کرد.



درس اصلی شماره 1



به مدرسه یکشنبه های قهرمانان ایمان مجدداً خوش آمدید! ما به دنبال آدم های مهم در عهد باستان هستیم و در مورد ارتباط آنان با خداوند و اینکه خداوند چه تاثیری بر روی زندگی آن ها داشته است. امروز ما به یک داستان بسیار عجیب و غریب در کتاب مقدس نگاهی خواهیم داشت. پس از اینکه اسرائیل سرزمین تحت سلطه یهودا را گرفت، آن ها خانه های خود را در آنجا بنا نهادند و زمین های کشاورزی را برپا ساختند و سال های مدید در آن جا زندگی کردند. در طول این مدت، مردم خداوند را فراموش کردند و به پرستش چیزهای دیگر که خدای حقیقی نیستند، پرداختند. شما و من هم گناهکار هستیم، با وجود اینکه تمام تلاش خود را می کنیم اما باز هم مرتکب خطاهایی در زندگی خود می شویم. برای تنبیه کردن این قوم، خداوند افرادی را به همسایگی آنان فرستاد، قوم موآبیان، که قوم بنی اسرائیل را برکنار کرده و به مدت 18 سال آن ها را تحت فشار و ظلم قرار دهند! این مدت زمان بسیار طولانی محسوب می شود. گاهی اوقات زمانی زیادی می برد که ما تنبیه خداوند را در زندگی خود تشخیص دهیم. وقتی که ما عیسی مسیح را می پذیریم، وارد خانواده ی خداوند می شویم و تبدیل به دختر یا پسر خداوند می گردیم و هیچ چیز نمی تواند چنین ارتباطی را از بین ببرد. مثل هر پدر خوب دیگری، خداوند نیز ما را تنبیه می کند و به ما می آموزد که چگونه از دستوراتش پیروی کنیم. علاوه بر این تصمیماتی که در زندگی می گیریم، نیز عواقبی به همراه خواهد داشت. وقتی که اسرائیلی ها متوجه شدند به خاطر اعمال و رفتارهایشان، در اشتباه بوده اند، به عبادت خداوند پرداختند و از او درخواست راه نجات کردند. ما می توانیم از خداوند در موقعیت های مختلف درخواست کمک و راهنمایی نماییم. سپس باید عمیقاً باور داشته باشیم که خداوند به ما کمک خواهد کرد اما ممکن است نه به آن روشی که ما انتظار داریم. اسرائیلی ها شاید بر این باور بودند که خداوند برای آن ها تعداد جنگجو خواهد فرستاد تا سپاه اسرائیل را قوی کند تا آن ها بتوانند حریف خود را شکست دهند. اما خداوند اینکارو نکرد. به جای آن، مردی دست چپ به نام ایهود فرستاد که ادعا می کرد حاوی پیامی رازآلود است و به این ترتیب توانست وارد قصر پادشاه موآب شود و سپس او را در کاخ خودش به قتل رساند! بعد از آن او تمامی قوم بنی اسرائیل را فرا خواند، اما به جای آنکه ارتشی تشکیل دهد و حمله کند، آن ها تنها در امتدادی رودخانه ای وسیع منتظر ماندند و با آمدن ارتش موآبیان، رودخانه در هم پاشید و قوم موآبیان را نابود کرد. درست همانطور که خداوند قوم بنی اسرائیل را توسط مردی به نام ایهود و آن هم به شیوه ای که اصلاً انتظار نداشتند، نجات داد، پس می تواند توسط پسرش، عیسی مسیح تمام جهانیان را به شیوه ی خودش، رستگار سازد و نجات بخش آنان باشد. اسرائیلی ها انتظار داشتند یک پادشاه از راه برسد و آنان را نجات دهد، اما مسیح به آرامی آمد و به خاطر ما به صلیب کشیده شد اما بار دیگر برخواند خاست و سپس هر کسی که به او ایمان داشته باشد، نجات خواهد یافت. بار دیگری که در موقعیت سختی گرفتار شدید و یا خطایی کردید، درست مانند دوست ما Buzz، به خاطر داشته باشید که خداوند پاسخ عبادت های ما را می دهد. از خداوند کمک بخواهید و نظاره راه غیرمنتظره ی او برای کمک به ما باشید.

در شرایط سخت، من نماز می خوانم و از خداوند درخواست کمک می کنم!





نتیجه گیری 1

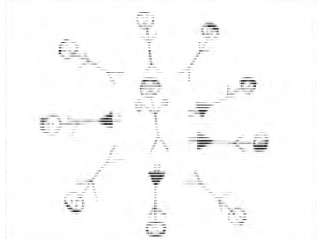
یک روز بعد از عبادت، همسایگان جدید آمدند تا در نزدیکی خانه ما زندگی کنند، و خیلی زود او با همسایه های جدیدش دوست شد و هر روز بعد از ظهر با آن ها بیرون می رفت تا بازی کنند. خیلی جالب و سرگرم کننده بود. بعد از یک هفته او متوجه شد که به جای تلویزیون، همیشه در حال بازی کردن است و زمانی برای تماشای تلویزیون ندارد. سپس از خداوند تشکر کرد که حالا احساس آزادی می کند و دیگر نیازی به تماشای تلویزیون ندارد.



فعالیت 1

مرغ نابینا

برای این فعالیت، یک پسر بچه یا دختر بچه انتخاب کنید تا چشم بند ببندد. بقیه بچه ها یک دایره ایجاد کنند و کودک دارای چشم بند در مرکز دایره قرار می گیرد. هیچ کدام از بازیکنان نمی توانند فضای بازی را ترک کنند. کودک دارای چشم بند تلاش می کند تا یکی از دوستان خود را لمس کند، سپس باید حدس بزند که او کیست. شما می توانید دختر یا پسر بچه ها را از هم جدا کنید، تا به صورت جداگانه این بازی را انجام دهند.



زمانبندی شماره 1

با پاسخ به این سوالات، بچه ها می توانند زمانبندی ایهود را ترسیم کنند. چه زمانی ایهود رهبری قوم بنی اسرائیل را آغاز کرد؟ الف. دقیقاً می دانم، اما تصور می شود که او رهبری این قوم را از 1297 قبل از میلاد آغاز کرد. چند سال ایهود بر قوم بنی اسرائیل حکومت کرد؟ الف. 80 سال.

پاسخ پازل شماره 1



ص	ق	ک	ش	ط	ج	ع	ت	د	ش	ک	ا
ت	م	ص	ن	ا	ی	ب	ا	و	م	ع	ظ
ک	ی	ط	د	و	ق	ا	ه	ت	ب	ا	
ع	ج	ه	ه	ا	ن	ک	ف	ی	ص	ا	ع
ت	ل	ظ	و	ف	ق	ا	ش	ا	ج	د	ت
ف	ک	ع	ت	م	ت	ک	ن	ه	ت	ک	
ا	ش	ه	ک	ت	ا	ی	ز	ف	ظ	ع	ر
ن	م	ا	ز	خ	و	ا	ن	د	ن	م	د
ش	ق	ز	ه	ت	ف	ا	ی	ت	ا	ج	ب
و	خ	د	ا	و	ن	د	ع	ط	ص	ج	ک





سوالات و پاسخ های شماره یک (برای دانش آموزان بزرگتر)

- اگر خداوند از من بخواهد که کاری شجاعانه نظیر ایهود انجام دهم، آیا خواهم ترسید؟ آیا ترسیدن چیز خوبی است؟ (شجاع بودن به معنای نبودن ترس نیست بلکه به این معناست که حتی با وجود احساس ترس، به سمت جلو پیش بروید.)
- در صورتی که خطایی مرتکب شوید، چه تنبیهی خواهید شد؟ (از دانش آموزان بخواهید که روش های تنبیهی مختلف را به بحث بگذارند و بررسی کنند که چه زمانی از ما خطایی سر می زند و چه زمانی بی گناهییم.)
- آیا جنگ خوب است؟ (در مورد تفاوت مردن شخصی بر اثر جنگ و یا بر اثر کشتن شخصی بحث کنید. اجازه دهید که دانش آموزه نظرات خود را در مورد جنگ در سرتاسر جهان بدهند و فراموش نکنید که در مورد جنگ های امروزی نیز صحبت کنید.)

بازی شماره 1

فریاد زدن به درگاه خداوند



دخترها را از پسرها جدا کنید تا به صورت جداگانه بازی کنند. بچه ها روی یک خط قرار بگیرند و دستان یکدیگر را بگیرند. سپس از بچه ها بخواهید به صورت ضربدری دستان یکدیگر را بگیرند و آن قدر اینکار را کنند تا به مشکل بخورند. در این موقع بچه ها باید فریاد بزنند و از خداوند درخواست کمک کنند. سپس یکی از اعضای تیم خواهد آمد و به بچه ها کمک می کند تا گره ی حلقه ی خود را باز کنند.

حضور شماره 1

کارت های امروز را به بچه هایی که در کلاس حضور داشته اند، بدهید. از آن ها تقدیر کنید و جهت حضور در کلاس هفته بعد و دریافت کارت حضور بعدی، آن ها را تشویق کنید، زیرا با این کارت ها می توانند بازی قهرمانان را انجام دهند! عنوان کارت امروز عبارت است از:
نمازگزار



تکالیف شماره 1

تکلیف این هفته این است که در کلاس درس (مدرسه) و در شرایطی نه چندان راحت و به همراه معلم یا همکلاسی خود نماز بخوانید. چشمانتان را ببندید و نیاز نیست با صدای بلند نماز بخوانید، خداوند می تواند افکار شما و صدای قلبتان را به راحتی بشنود. برای چیز خاص و یا رسیدن به خواسته ای، نماز بخوانید تا پاسخ خداوند را ببینید.

بخوانید

- روز اول: قضاات 4:1-5
- روز دوم: 4:6-10
- روز سوم: 4:11-14
- روز چهارم: 4:15-20
- روز پنجم: 4:21-24





خدا، یکتاست

داستان کتاب مقدس: دبورا

دبورا : داوران: 27:24-2,24-1:4

داستان نیاز

و بدون ایمان محال است که انسان خدا را خشنود سازد، زیرا هرکس به سوی خدا می آید، باید ایمان داشته باشد که او هست و به جویندگان خود پاداش می دهد
عبرانیان 6:11



داستان نیاز شماره 2

Comet، معلم مدرسه یکشنبه ها نتوانست در کلاس حضور به عمل آورد زیرا به شدت مریض بود. او با Comet روزی در کلیسای حرف زد و از او خواست تا مراقب بچه ها باشد. او می بایست مراقب بود که بچه ها کلاس را ترک نکنند و فیلم کتاب مقدس را نیز در پذیرش این کار خساست به خرج داد. او با خود فکر کرد: « برای من بهتر است که اینجا در کلاس بمانم و Comet پخش می کرد. هم پذیرفت، اما او خواست که شخص دیگری Comet فقط گوش کنم.» وقتی که معلم دید که او هیچ پاسخی نداد، گفت: «لطفا.» مسئولیت کلاس را به عهده بگیرد و او فقط کمک خواهد کرد.



درس اصلی شماره 2

به قهرمانان ایمان، مجدداً خوش آمدید! آخرین بار، ما یاد گرفتیم که خداوند بنی اسرائیل را به شیوه ی غیر منتظره ی خودش و توسط مردی به نام ایهود نجات داد. این بار، ما خواهیم دید که خداوند یکتاست. بار دیگر، اسرائیلی ها مرتکب گناه شدند، و پادشاه جابین کنعان آن ها را توسط فرمانده ارتش خود، Sisera تحت فشار قرار داد. در آن زمان، پیامبری به نام دبورا وجود داشت که مردم را در زیر درخت خرما می موعظه می کرد و به راه راست هدایت می نمود. پیامبر کسی است که با خداوند سخن می گوید، بر همین اساس، خداوند از طریق دبورا مردی به نام باراک را فراخواند تا قوم بنی اسرائیل را به دور هم جمع کند تا بتوانند به ارتش Sisera حمله کنند. هفته پیش یاد گرفتیم که از خداوند در مواردی که به مشکل می خوریم، جهت کمک، درخواست کنیم. گاهی اوقات، سایر آدم ها که به کمک نیاز دارند، خداوند ما را برای کمک به آن ها صدا می کند، درست مانند داستان Comet که امروز خواندیم. وقتی که خداوند شما را صدا می کند، پاسخ شما چیست؟ باراک به دبورا گفت تنها در صورتی به جنگ خواهد رفت که او در کنارش باشد. وقتی که می ترسیم، سعی می کنیم که به آدم هایی که می توانیم آن ها را ببینیم، به جای خداوند که قابل دیدن نیست، اعتماد کنیم. فراموش می کنیم که خداوند چقدر بزرگ است. خداوند آنقدر بزرگ است که کل جهان را آفریده است! او ستارگان را آفریده که آن قدر بزرگ هستند که حتی نمی توانید تصور کنید و آن قدر از ما دورند که نمی توانید آن ها را با چشم غیر مسلح ببینید. اقیانوس های بزرگ را آفریده است، ابرهای شناور را خلق کرده و همه ی کوه ها را بوجود آورده است. این خداوند است که این جهان را آفریده و مدیریت می کند، این خداوند است که همه ملیت ها را خلق کرده و تاریخ را نوشته است، این اوست که از هر چیز کوچکی در آینده با خبر است. به آسمان نگاه کنید و یا آن را در ذهن خود تصور کنید و به خاطر بیاورید که چقدر خداوند بزرگ است. وقتی که او شما را صدا می زند، می توانید به او اعتماد کنید تا کنارتان باشد و به شما در انجام کاری که درخواست شده است، یاری کند. هر بار که در انجام کاری احساس ترس می کنید، به عظمت آسمان، ستارگان، کوه ها فکر کنید و به خاطر بیاورید که خداوند بسیار بزرگتر از آن است که از چیزی بترسید. از آنجایی که باراک به خداوند اعتماد نکرد اما به دبورا اعتماد کرد، خداوند هم اجازه داد تا زن دیگری موفق به کشتن Sisera شود. باراک و اسرائیلی ها جنگ را بردند زیرا خداوند با آن ها بود. Sisera فرار کرد و در چادر زنی که به او اعتماد کرده بود، پنهان شد و از آنجا که بسیار خسته بود، خوابش برد. وقتی که خواب بود، زن Sisera را به قتل رسانید و زمانی که اسرائیلی ها آواز پیروزی سر دادند، آواز درباره زنی بود که Sisera را کشت، نه در مورد باراک. خداوند یکتاست، و مسیح گفت که با توجه به اعمال ما، پادشاهایمان را می دهد. ممکن است برخی از این پاداش ها را در زندگی دنیوی دریافت کنیم و یا در حیات بعد از مرگ. اما بدون شک خداوند برای شجاعتیمان پاداشی عظیم در نظر خواهد گرفت.

من فهمیدم که خداوند یکتاست و او من را بابت کارهایی که در زندگی انجام می دهم تشویق می کند.

نتیجه شماره 2

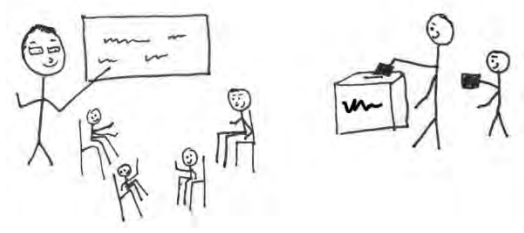
به او عطا کند. کشیش Comet تهیه کرده بود. او مقداری هدیه نقدی تهیه کرده بود تا بابت کمک Comet کشیش کلیسا جایزه کوچکی را برای فهمید که او حقیقتاً نیازی Comet وقتی که فهمید دو نفر در مدیریت کلاس مشارکت داشتند، پول را بین آن ها تقسیم کرد. بعد از این اتفاقات، به کمک نداشته است.





فعالیت شماره 2 گادگاه عدلیه

بچه ها به دور یک دایره می نشینند؛ معلم موقعیتی را ایجاد می کند، به عنوان مثال (پدری برای بچه هایش چند اسکیت می خرد، با این شرایط که آن ها می بایست با یکدیگر به اشتراک بگذارند. دخترچه تصمیم می گیرد که اسکیت را از برادرش مخفی کند تا نتوانند از آن استفاده کنند زیرا پاهایش بوی بد می دهد. ایا اینکار منصفانه است یا غیرمنصفانه؟) یکی از بچه ها جای شما می نشیند و به عنوان یک قاضی عمل می کند و می بایست با صدای بلند



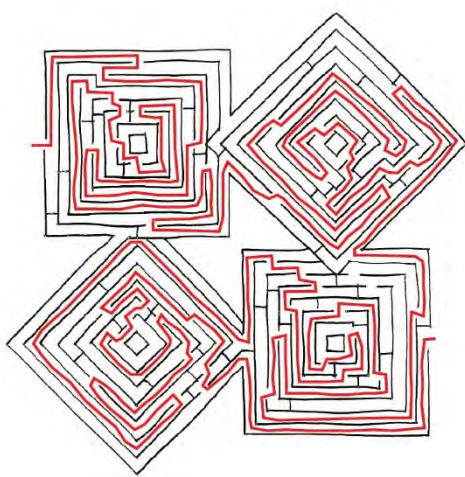
در مورد منصفانه بودن و یا نبودن شرایط با یکدیگر بحث کنند. اما قبل از آن، بقیه بچه ها باید به عنوان هیئت منصفه رای دهند. اول، کسانی که معتقدند این کار منصفانه بوده است، دستان خود را بالا می برند و رای ها شمرده می شود. قاضی بعد از یک دقیقه، تصمیم نهایی را با صدای بلند و به صورت کاملاً واضح اعلام خواهد کرد. منصفانه یا غیرمنصفانه. سپس قاضی به نوبت عوض می شود، به بچه ها اجازه دهید تا در مورد منصفانه بودن شرایطی تصمیم بگیرند.

زمانبندی شماره 2

چه کسی پس از ایهود، قوم بنی اسرائیل را هدایت کرد؟ الف. دبورا.
دبورا چند سال هدایت قوم بنی اسرائیل را به عهده داشت؟ الف. چهار سال.

پاسخ پازل شماره

ت	س	ی	خ	ل	ص	ب	ه	پ	س	ا
ا	ق	پ	د	ت	ص	د	ا	ق	ت	ل
ل	م	ر	ظ	س	م	س	ق	ک	ر	ی
ک	ا	ر	ا	ب	خ	د	ی	س	س	ص
ش	ر	ه	ن	ا	م	ر	ه	ق	ل	ن
م	س	م	ت	ا	ی	ا	ر	و	ب	د
خ	ی	س	ر	ی	ص	پ	ه	و	خ	ه
پ	س	ظ	ل	م	و	س	ت	م	د	س
ل	ا	س	ر	ا	ئ	ی	ل	ا	ر	پ
خ	د	ا	و	ن	د	س	یا	ظ	ت	ق



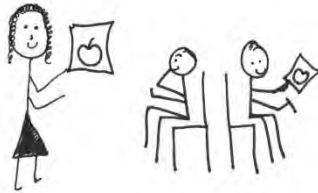


سوالات و پاسخ های شماره یک

- چه کارهایی هست که ما در طول روز انجام می دهیم و خداوند از آن ها باخبر است و آن ها را می بیند؟ آیا او بابت این کارها به ما هدیه و پاداش خواهد داد؟ (معلم عزیز، این سوال ایده خوبی است تا تظاهر کنید که معتقد نیستید که خداوند از همه کارهای ما باخبر است و در مورد همه چیز به ترتیب صحبت کنید تا از نظرات آن ها باخبر شوید. به عنوان مثال، وقتی که تلویزیون تماشا می کنم، خداوند من را نمی بیند، و غیره، سرانجام نتیجه گیری کنید که خداوند از همه کارهای ما باخبر است. این تمرین چشم و گوش دانش آموزان را باز خواهد کرد.
- من فقط می خواهم تلویزیون تماشا کنم. آیا کار خوبی است؟ چرا نه؟ (بعضی کارها از نظر اخلاقی بد نیستند، بلکه صرفاً نوعی اتلاف وقت محسوب می شوند. همه ما در طول روز به استراحت نیاز داریم اما سعی کنید با دانش آموزان در مورد مدت زمانی که می بایست صرف بازی کردن و یا تماشای تلویزیون کنند، صحبت کنید تا متوجه شوید که آیا وقت خود را به بطالت می گذرانند یا خیر. اگر خداوند برای انجام هر کاری به ما پاداشی دهد، بهتر نیست که تلاش کنیم تا کارهای خوب بیشتری انجام دهیم؟)
- بهشت چگونه است؟ (هر کدام از ما پاسخ های متفاوتی در مورد بهشت داریم. مردم گاهی اوقات می گویند که بهشت جای کسل کننده ای است، جایی که ما میان ابرها شناور هستیم و هیچ کاری برای انجام دادن نداریم. اما خداوندی که این جهان را خلق کرده است درصدد خلق بهشتی جدید و کره ی زمین در نسخه ی 2.0 می باشد به نحویکه سرتاسر خوبی است و هیچ بدی در آن وجود ندارد. در کتاب مقدس آمده است که بهشت بسیار بهتر از آنچه می بینیم است که ما تصور می کنیم. زمانی را جهت تصور بهشتی که از همه چیز بهتر و بالاتر است، اختصاص دهید و پاداش های بی نظیر آن را در نظر بگیرید. از دانش آموزان بپرسید برای اینکه یک تبلت جدید و یا موبایل جدیدتر داشته باشند، حاضر چه کاری انجام دهند؟ آیا خداوند در بهشت چنین پاداش هایی به ما خواهد داد؟)

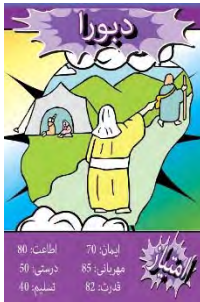
بازی شماره 2

نقاشی نابینایان



شرکت کنندگان را دو به دو کنید. از آنها بخواهید که پشت به پشت هم بشینند. به یکی از بچه ها کاغذ و قلم دهید و به کودک دوم یک تصویر بدهید. شخصی که تصویر را در اختیار دارد می بایست عکس را برای پارتیز خود توصیف نماید بدون اینکه اشاره ای به نام آن جسم کند. به عنوان مثال، اگر تصویر یک کرم در داخل سیبی باشد، می توانید بگویید: « یک سیب بکش که داخل آن کرم باشد.» می توانید بگویید: « یک منحنی سمت چپ بکش ...» شخص دارای قلم و کاغذ با توجه به توصیفات شروع به نقاشی می کند. برای اینکار یک محدوده زمانی 10 الی 15 دقیقه ای در نظر بگیرید.

2 حضور شماره



کارت های امروز را به بچه هایی که در کلاس حضور داشته اند، بدهید. از آن ها تقدیر کنید و جهت حضور در کلاس هفته بعد و دریافت کارت حضور بعدی، آن ها را تشویق کنید، زیرا با این کارت ها می توانند بازی قهرمانان را انجام دهند! عنوان کارت امروز عبارت است از:
دبورا

تکالیف شماره

تکلیف این هفته این است که یکی از فعالیت های مختلف نظیر صحبت کردن در مورد مسیح، تشویق کردن اشخاص یا کمک کردن به والدین در منزل را انتخاب کنید تا از این طریق به تقویت مسئولیت پذیری در کارهای روزمره بپردازیم. انجام این فعالیت ها می تواند در مدرسه و یا در خانه باشد. علاوه بر این، می توانید برای انجام کارهای خیرخواهانه در کلیسا نیز داوطلب شوید. شاید به نظر ترسناک باشد، به آسمان و به ستاره ها و یا به ابرها نگاه کنید و به بزرگی خداوند فکر کنید. خداوند کسی است که همه آسمان ها و زمین را خلق کرده است.

بخوانید

روز اول: قضاات 13-1:6

روز دوم: 26-14:6

روز دوم: 40-27:6

روز دوم: 15-1:7

روز دوم: 25-16:7





خداوند پر کلامش تاکید دارد

داستان کتاب مقدس: گیدئون

1:6-25:7 داوران: گیدئون

داستان نیاز



اما کسانی که برای کمک به خداوند توکل می کنند، نیروی تازه می یابند نیروی تازه می یابند آنها مثل عقاب پرواز خواهند کرد، و از دویدن، خسته و از راه رفتن، فرسوده نخواهند شد

اشعیا 31:40



درس نیاز شماره

برادر Buzz جوانی بود. روز او در حال عبادت و خواند کتاب مقدس بود، خداوند به او گفت...

خداوند از او برای خدمت گزاری در گروه موسیقی کلیسا، استفاده کرد. او بسیار متعجب شد زیرا تا به حال با هیچ یک از ادوات موسیقی کار نکرده بود، و به همین خاطر به شک افتاد و فکر کرد که اشتباه کرده است.

سپس به راز و نیاز با خدا برخاست تا مطمئن شود خواسته ی او را درست متوجه شده است....

درس اصلی شماره 3

هفته پیش، باراک را دیدیم که بیشتر از خداوند، به مردم اعتماد کرد. این هفته درباره ی مردی به نام گیدئون خواهیم خواند. بار دیگر بنی اسرائیل مرتکب گناه شد و مادیان آن ها را تحت ظلم و ستم قرار دادند به نحویکه دیگر نه غذایی داشتند و نه هیچ حیوانی. مجبور بودند در خفا و پنهانی غذا درست کنند. همه وانمود می کردند که به صورت مخفیانه غذا می خورند. روزی عقابی آمد و با گیدئون سخن گفت و به او گفت که خداوند بنی اسرائیل را نجات خواهد داد. عقاب به گیدئون گفت که به از قدرت خود استفاده کند. اما گیدئون در پاسخ گفت که چطور ممکن است زیرا من احساس می کنم بسیار کوچک و ناتوان هستم. آیا تا به حال شده است که با خود فکر کنید « من چقدر کوچکم! چه کاری از عهده من بر می آید؟» اما خداوند می تواند به شما قدرت ببخشد و کمکتان کند تا کارهای بزرگ انجام دهید. خداوند بسیار قوی است و به کمک هیچ شخصی نیاز ندارد. گیدئون کارهایی انجام داد که همه ما نیز ممکن است انجام دهیم: او از خداوند درخواست تأیید کرد. خداوند ترجیح می دهد که ما از او بخواهیم تا کلماتش را تأیید نماید. آن چیزی که خداوند را ناامید می سازد، نبود ایمان و Buzz کرد، درست همانکاری که نافرمانی است. وقتی که گیدئون متوجه شد که عقابی با او سخن می گوید، بسیار ترسید. خداوند به او گفت: « آرام باش! ترس». مسیح می گفت خداوند به ما آرامش می بخشد و همیشه در کنار ماست و از ما می خواهد که هرگز از چیزی ترسیم. وقتی آرامش داشته باشیم، وقتی می دانیم که خداوند در کنار ماست، در این صورت است که ایمان خود را به کار خواهیم برد و از او اطاعت خواهیم کرد. گیدئون بت های مردم را شکست و خدای حقیقی را معرفی کرد. سپس خداوند به او گفت که قوم بنی اسرائیل را به دور هم جمع کند تا ارتش بزرگ مادیان را به آتش بکشند. بار دیگر، گیدئون جهت تأییدیه با خداوند راز و نیاز کرد. او پوستی از پشم گوسفند را به زمین انداخت. در صبح پشم خیس بود در حالیکه دور و اطراف آن، زمین کاملاً خشک بود. روز دوم، پشم خشک بود اما بقیه جاهای زمین خیس بودند. گیدئون ارتشی 32000 نفره تشکیل داد، اما خداوند علاقه ای به قدرت ما ندارد؛ او می تواند ما را حتی با کوچکترین وسایل نجات دهد. او به گیدئون گفت تا مردم را به خانه بفرستد و تنها 300 نفر باقی ماند! چشمان خود را ببندید و تصور کنید که تنها 300 نفر در مقابل ارتشی بزرگ قرار دارند. خداوند بار دیگر کلام خود را تأیید کرد. او به گیدئون گفت که به صورت مخفیانه به سمت چادرهای دشمن حمله کنند. وقتی می بینید که خداوند با شماست، کاری را خواهید کرد که گیدئون انجام داد و به پرستش خداوند پرداخت. گیدئون به 300 مرد خود، روشنائی، کوزه و شیپور داد. نصف شب، آن ها کل ارتش را احاطه کردند و به صورت کاملاً ناگهانی در شیپورها نواختند و فریادها سر دادند. ارتش بزرگ مادیان وحشت زده فرار کردند! و بدین ترتیب قوم بنی اسرائیل پیروز شد. وقتی خداوند صدایان می زند، به خاطر بیاورید که او چقدر بزرگ است. از او جهت تأییدیه درخواست کنید، سپس کاری را انجام دهید که از شما خواسته می شود.

من می توانم از خداوند جهت تأیید کلامش نسبت به خودم، سوال کنم. من از خداوند اطاعت خواهم کرد.





نتیجه گیری شماره 3



چند ماه بعد در کلیسا، کشیش با او دقیقا در مورد همان چیزی که خداوند قبل تر به او گفته بود، صحبت کرد. آنجا بود که پسرک تائیدیه کلام خداوند را مشاهده کرد و خود را برای گروه موسیقی آماده نمود.

فعالیت شماره 3

خاطرات



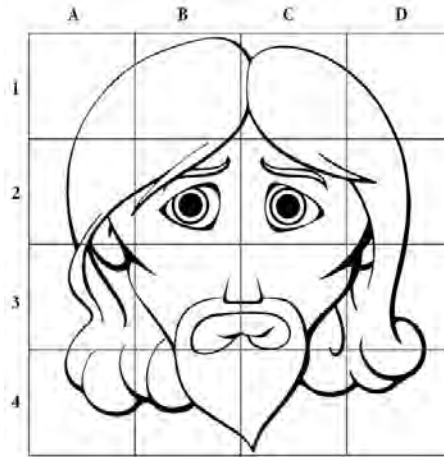
- با چند برگ کاغذ دفترچه مانند دفتر خاطرات درست کنید
- به آن ها بگویید که هر روز در زندگی ندهاها و اتفاقاتی می افتد که همگی نشان از وجود خداوند دارد. این اتفاقات ممکن است شامل هر چیزی باشد که شما را یاد خداوند می اندازد.

زمانبندی شماره 3

گیدئون در چه سالی به دنیا آمد؟ ما دقیقا نمی دانیم، اما تصور می شود که در سال 1252 قبل از میلاد بوده باشد. چه زمانی گیدئون فوت کرد؟ پاسخ این سوال را هم به صورت دقیق نمی دانیم، اما تقریبا در سال 1152 قبل از میلاد فوت کرد.

پاسخ پازل شماره

م	ف	ت	ب	ا	ج	ا	ض	س	ع	ج
چ	ن	د	ق	گ	ر	س	ن	گ	ی	ف
ع	د	ا	د	ج	ف	ض	ی	م	ض	ش
ب	ر	ب	ر	د	پ	د	س	ع	و	د
ا	ک	ع	ت	ع	ئ	ط	ی	گ	ش	ا
ر	ی	پ	م	و	ت	ف	ر	ش	ت	ه
ح	و	ر	ن	ا	ی	د	م	خ	س	ر
م	ر	ف	د	م	آ	ر	ا	م	ش	و
س	ی	ض	ج	ه	ش	ت	ج	پ	ف	ن
د	پ	ش	م	گ	و	س	ف	ن	د	ض
ش	ر	ف	ئ	ب	و	ط	ر	م	ت	ط





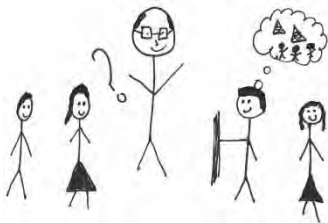
سوالات و پاسخ های شماره یک

(برای دانش آموزان بزرگتر)

- اگر خداوند به من جواب منفی دهد، چه می شود؟ (این اتفاق برای همه ما زمانی که چیزی را بسیار زیاد از خدا می خواهیم، اتفاق می افتد، بنابراین وقتی که احساس می کنیم خداوند پاسخ رد به ما می دهد، از او بارها و بارها درخواست اجابت می کنیم. خداوند نسبت به ما صبور است، اما باید پاسخ رد خداوند را بپذیریم و از آن اطاعت کنیم.)
- آیا خداوند از من عصبانی می شود؟ چرا؟ (در چه مواردی خداوند از ما عصبانی می شود؟ وقتی که از دستورات او پیروی نمی کنیم و برای مخفی کاری دروغ می گوییم. اما زمانی که در مورد درستی انجام کاری شک داریم و از خداوند طلب راهنمایی می کنیم، او هرگز از ما عصبانی نمی شود.)
- آیا خداوند حقیقتاً با ما سخن می گوید؟ (در مورد این موضوع گفتگو کنید: خداوند چه چیزهایی می گوید، او دوست دارد با چه کسانی صحبت کند و غیره. در نهایت نتیجه گیری کنید که خداوند با همه ما سخن می گوید، در تمام طول روز و در مورد هر چیزی.)

بازی شماره 3

بازی حدس بزن کیست

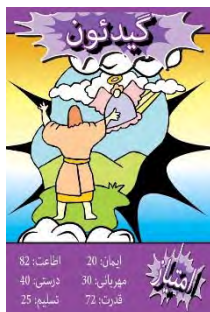


از دو تیم استفاده کنید. در یک تیم شخصیتی را از داستان قبل ارائه دهید و آن را به صورت مخفیانه با معلم در میان بگذارید. تیم بعدی باید حدس بزند که آن شخصیت کیست. آن ها می توانند سوالات ویژه ای در مورد آن شخصیت مطرح سازند. هیچ کس اجازه دروغ گفتن ندارد. به عنوان مثال: اگر شخصیت مورد نظر موسی است و سوال پرسیده شده توسط تیم رقبت « آیا او کشتی ای ساخت: « باشد، پاسخ خیر خواهد بود. « نام او چیست؟» و یا هر گونه سوال مستقیم دیگری مجاز نیست. تیمی که در حال پرسیدن سوال است، وقتی که به اطمینان رسید، می تواند نام شخصیت را حدس بزند. وقتی بازی تمام شد، جای تیم ها را با هم عوض کنید و مجدداً بازی را انجام دهید.

حضور شماره

کارت های امروز را به بچه هایی که در کلاس حضور داشته اند، بدهید. از آن ها تقدیر کنید و جهت حضور در کلاس هفته بعد و دریافت کارت حضور بعدی، آن ها را تشویق کنید، زیرا با این کارت ها می توانند بازی قهرمانان را انجام دهند! عنوان کارت امروز عبارت است از:

گیدئون



ایمان: 20	اطاعت: 82
مهربانی: 30	درستی: 40
قدرت: 72	تسلیم: 25

3 تکالیف شماره

تکلیف این هفته، گشتن به دنبال چیزی است که وجود خداوند را اثبات کند، چیزی که در زندگی شما و یا در زندگی اطرافیان شما به وقوع می پیوندد. در مورد آن بنویسید و یا در دفترچه خود در منزل تصویر آن را ترسیم کنید، سپس در مورد آن به معلم کلیسا توضیح دهید.





بخوانید

روز اول: قضاات 10:6-14

روز دوم: 10:15-3:11

روز دوم: 11:4-13

روز دوم: 11:28-34

روز دوم: 11:35-40





خداوند برای شما ارزش قائل است



داستان کتاب مقدس: یفتاح

یفتاح: داوران : 11-6:10, 40-29:11

داستان نیاز



خدا در واقع با عظمت و داناست و کسی را دلیل و خوار نمی‌شمارد.
ایوب 36:5

درس نیاز شماره 4



تافی هر روز در مدرسه احساس بدی داشت. همه در مدرسه به او به خاطر خانواده اش طعنه و کنایه می‌زدند. او مسیحی بود و به همین خاطر همیشه وقت ناهار تنها در گوشه ای می‌نشست. او در توپ بازی هم مهارت چندان خوبی نداشت و به همین خاطر همیشه نفر آخری بود که برای تیمی انتخاب می‌شد. او به دوستانش می‌گفت که چطور توانسته اند در بازی با توپ به مهارت برسند اما آن‌ها تنها به او می‌خندیدند و می‌گفتند که او بسیار ضعیف است. در اغلب موارد، او را پس می‌زدند. یک هفته تافی بسیار مریض بود و نمی‌توانست به مدرسه برود. اما وقتی که بهتر شد، دوست نداشت به مدرسه برگردد تا دوباره مورد طعنه و کنایه قرار بگیرد. او به خداوند گفت: « خدایا، پدرم، لطفاً به من کمک کن! »

درس اصلی شماره

به درس قهرمانان ایمان خوش آمدید! امروز می‌خواهیم در مورد ارزش خداوند بخوانیم. یک دقیقه درباره تفاوت ارزش افراد و چیزهایی که آن‌ها را از هم متمایز می‌کند، فکر کنید. چه چیزی در دنیا سبب می‌شود که شخصی، تبدیل به آدم مهمی می‌شود. (اجازه دهید تا دانش آموزان پاسخ‌های مختلف خود را ارائه دهند). جهان به ما نشان می‌دهد که همواره باید به ارزش‌ها، توانایی‌ها (درست مانند داستان تافی امروز)، استعدادها، تاریخچه خانواده، پوست، رنگ، مو، لباس‌ها و حتی کامل بودن دندان افراد توجه کنیم. اما این‌ها چیزهایی نیست که خداوند به آن‌ها توجهی داشته باشد. پس خداوند به چه چیزهایی توجه دارد؟ (اجازه دهید دانش‌حس بزندان، اما پاسخ را به آن‌ها نگوئید). اجازه دهید نگاهی به داستان امروز کتاب مقدس کنیم.

بار دیگر، قوم بنی اسرائیل با پرستیدن خدایان دیگر جز خدای حقیقی مرتکب گناه شدند. سپس فلسطینی‌ها و آمونیت‌ها آن‌ها را به مدت 18 سال مورد ظلم و ستم خود قرار دادند. قوم بنی اسرائیل از خداوند درخواست نجات و یاری کردند تا بتوانند از شر خدایان خارجی در این سرزمین رهایی یابند. خداوند به دعاکنندگان پاسخ داد و شخصی را برای نجات آنان فرستاد. چه شخصی می‌توانست قوم بنی اسرائیل را نجات دهد؟ ممکن است پاسخ دهید شخصی جنگجو که بتواند همه خدایان را نابود کند و از طرفی بین مردم نیز محبوب باشد... اما خداوند مردی را به نام جفتمه انتخاب کرد، که پسر یک فاحشه بود. همه تصور می‌کردند که او آدم مهمی نیست و او را مورد تهمت و طعنه قرار می‌دهند و حتی برادران خودش نیز او را به خاطر مادرش به جاهای دور دست فرستاده بودند. این رفتار بد برای کاری که جفتمه هیچ نقشی در آن نداشته است، ناعادلانه است. عیسی مسیح نیز احساسی مانند جفتمه داشت. رهبران یهود به او تهمت زدند و او را با وجود اینکه مرتکب کار اشتباهی نشده بود، کشتند. پس خداوند به چه چیزی نگاه می‌کند؟ کتاب مقدس می‌گوید که خداوند به ظاهر بیرونی ما همانند انسان‌ها توجهی ندارد. (1 ساموئیل 16:7). مسیح گفت که اگر شخصی کل دنیا را بدست آورد (مقام و ثروت و هر آنچه که در دنیا است)، اما اگر روحش را از دست دهد، گویا صاحب هیچ چیز نیستید (متی 16:26) به قلب خود اشاره کنید. روح شما ارزش کل دنیا را دارد! وقتی که مسیح کشته شد، او اینکار را بخاطر شما انجام داد، زیرا برای شما ارزش بالایی قائل بود. هیچ مقامی در دنیا نمی‌تواند سبب شود که خداوند ارزش شما را بالا ببرد و یا تنزل دهد. به شخصی که در سمت راست خود نشست و شخص دیگری که در سمت چپ شما نشست است، نگاهی بیاندازید. هر شخصی که می‌بینید ارزش آن بیشتر از هر چیزی در دنیا است. در داستان مقدس امروز، خداوند قلب مردم را تغییر داد. وقتی که دچار مشکل شده بودند، خداوند نزد جفتمه رفت، شخصی که مردم او را طرد کرده بودند و از او درخواست کرد که به کمک مردم برود. جفتمه باعث شد تا قوم بنی اسرائیل پیروز شود و به مدت 6 سال رهبری این قوم را به عهده داشت.

من می‌دانم که نظر خداوند بسیار مهمتر است. می‌دانم که خداوند برای من ارزش بالایی قائل است.

نتیجه گیری شماره 4



وقتی که تافی به مدرسه رفت، با موضوع تعجب برانگیزی مواجه شد. بقیه بچه‌ها بسیار خوشحال بودند که او برگشته است! آن‌ها به او گفتند: «دلمان برایت تنگ شده است. اینجا بدون تو سرگرم کننده نبود و همش در حال تحسین تو بوده ایم.» از آن پس دیگر او آخرین بازیکنی نبود که در باشگاه برای بازی های تیمی انتخاب می‌شد، حتی با وجود اینکه بازی اش چندان خوب نبود.





فعالیت شماره 4

دست خود را ترسیم کنید



، یا کاغذ سایز نامه و یا در دفتر یادداشتشان، ترسیم کنند. بر روی هر 4 از دانش آموزان بخواهید که دست خود را بر روی یک کاغذ انگشت دست خود آن چیزی که از خدا می خواهند را بنویسند، مانند یک هدیه و یا هر نوع درخواستی برای شخص دیگر.

زمانبندی شماره 4

یفتاح در چه سالی به دنیا آمد؟ ما دقیقا می دانیم، اما به طور تقریبی او در سال 1118 قبل از میلاد به دنیا آمد. یفتاح در چه سالی فوت کرد؟ به طور دقیق می دانیم، اما تقریباً در سال 1094 قبل از میلاد فوت کرد.

پاسخ پازل شماره 4

، و او بین آدم ها هیچ تفاوتی قائل نمی 16:26 در فعالیت ارزش گزاری، بخاطر آورید که خداوند ارزش روح هر شخص را بیشتر از ارزش کل جهان می دانست (متی 10). پاسخ عدد 10 و یا بیشتر ارزش به ازای هر شخص می باشد. 3:28، گالاتان 22:16 شد (متی

پاسخ پازل شماره

ش	ق	ه	ر	م	ا	ن	م	ح	ع	ق
ع	ای	رای	ط	ب	ا	ب	ا	ت	ش	ه
س	ه	ق	م	ب	ا	ب	ا	ع	ک	ط
م	و	ن	ط	س	ف	ی	م	ن	ز	ی
ی	و	ا	ب	ی	ظ	ن	س	ی	ف	ز
ض	ر	ا	ک	ع	ش	و	ر	ص	ر	و
ا	د	ز	ت	ه	م	م	ت	ک	ش	ر
ق	خ	ش	ع	ز	ف	آ	ع	ا	خ	ی
ن	ا	ه	ی	ن	ی	ط	س	ف	ل	پ
ه	ا	ظ	ه	ر	ن	م	ش	ک	س	ت

0 1 2 3 4 5 6 7 8 9 10		0 1 2 3 4 5 6 7 8 9 10	
0 1 2 3 4 5 6 7 8 9 10		0 1 2 3 4 5 6 7 8 9 10	
0 1 2 3 4 5 6 7 8 9 10		0 1 2 3 4 5 6 7 8 9 10	
0 1 2 3 4 5 6 7 8 9 10		0 1 2 3 4 5 6 7 8 9 10	

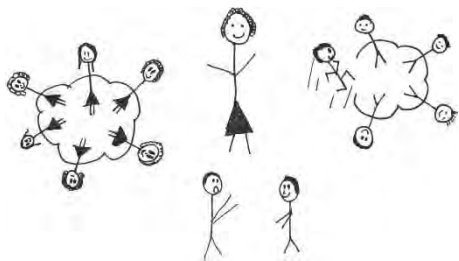




سوالات و پاسخ های شماره یک (برای دانش آموزان بزرگتر)

- چه نشانه هایی از تبعیض در کلاس خود مشاهده می کنید؟ (در مورد موضوعات مختلف پیرامون این سوال، با دانش آموزان بحث و گفتگو کنید و نشان دهید که چرا تبعیض بد است و باعث آسیب های فردی می شود؟)
- وقتی با تبعیض برخورد می کنم، چگونه باید رفتار کنم؟ (در مورد این حقیقت که هیچ چیز بدتر از این نیست که وقتی کسی به شما احتیاج دارد، کاری انجام ندهید و یا سخنی نگویند، بحث کنید.)
- چرا آن ها من را تنها گذاشته اند؟ (انسان موجودی اجتماعی است و ما به ناچار با مسائل تبعیض آمیز برخورد خواهیم داشت. میل محبوبتر بودن نسبت به دیگران، ما را مرتکب انجام گناه می کند. مردم هرگز ما را به حال خود و در آرامش نخواهند گذاشت. لذا باید یاد بگیریم که از خودمان و دیگران محافظت نماییم، تنها کافی است بدانیم که پروردگاران کیست و کاری به حرف دیگران نداشته باشیم.)

بازی شماره 4



ارزش بخشی به دیگران
بچه ها دستان خود را می گیرند و یک دایره تشکیل می دهند. می توانید پسرها را از دخترها جدا کرده و از آن ها بخواهید که به صورت همزمان بازی کنند. یکی از بچه ها بیرون دایره قرار می گیرد و بدور بقیه می چرخد. او یکی از بچه های داخل حلقه را انتخاب می کند و پشت او را لمس می کند و سپس در خلاف جهت شروع به دویدن می کند تا جایگاه قبلی اش را از دست ندهد. هر کسی که بتواند زودتر به جایگاه بازیکن بیرونی برسد، برنده است. برنده می تواند شخص بازنده را با صفت بارزش و با صدای بلند صدا کند، مانند اینکه : مانوئل بسیار باهوش است.

حضور شماره

کارت های امروز را به بچه هایی که در کلاس حضور داشته اند، بدهید. از آن ها تقدیر کنید و جهت حضور در کلاس هفته بعد و دریافت کارت حضور بعدی، آن ها را تشویق کنید، زیرا با این کارت ها می توانند بازی قهرمانان را انجام دهند! عنوان کارت امروز عبارت است از:

Libros Poéticos

تکالیف شماره

تکلیف این هفته، تمرین خودشناسی است: خود را چگونه می بینید؟ دقت کنید که خودتان را با افراد دیگر مقایسه نکنید. اگر احساس بی ارزشی می کنید، به خاطر داشته باشید که خداوند شما را خلق کرده است و از این طریق برای شما ارزش قائل شده و شما را دوست می دارد. اگر احساس غرور می کنید، به خاطر داشته باشید که مبنای شما عیسی است، نه خودتان. هر روز این هفته، با صدای بلند بگویید: « من متعلق به مسیح هستم و او برای من ارزش قائل است و من را دوست دارد.»

بخوانید

روز اول: قضاات 1:13-5

روز دوم: 15:9-16

روز دوم: 16:4-10

روز دوم: 16:15-22

روز دوم: 16:23-30





جزئیات



داستان کتاب مقدس: سامسون

سامسون : داوران 1:13-14,25-5:15,6-9:20,16:2-31

داستان نیاز



پس بیایید تا با دلیری به تخت فیض بخش خدا نزدیک شویم تا رحمت یافته و در وقت احتیاج از او فیض یابیم.

عبرانیان 16:4



داستان نیاز شماره 5

این صبح، وقتی که والدین تافی به محل کار خود رفتند، با تافی صحبت کردند و از او خواستند که لطفاً فراموش نکند غذایی که روی اجاق گاز هست را به داخل یخچال بگذارد. جمله والدین اینگونه بود: « تنها کاری که از تو می خواهیم همین است » و تافی با خود فکر کرد: « چقدر عجیب است که انجام کارهای دیگر را به من محول نکرده اند، پس می توانم هر کاری که می خواهم انجام دهم. » تافی رفت تا کمی روزنامه بخواند و بعداً کاری که والدین اش از او خواسته بودند، را انجام دهد. اما آنقدر سرگرم خواندن روزنامه شد که به طور کل فراموش کرد.

درس اصلی شماره 5

مجدداً خوش آمدید! امروز در مورد یک قهرمان عجیب و غریب خواهیم آموخت. روزی یکی از فرشتگان خداوند سراغ زوجی آمد که هیچ بچه ای نداشتند و به آن ها گفت که به زودی صاحب پسری خواهند شد. او اهل ناسره خواهد بود و قسم خورده ی خداوند می باشد. این پسر هرگز نباید شرابی بخورد، به بدن انسان مرده دست بزنند و یا موهای خود را کوتاه نمایند. در حقیقت قسم پسر اهل ناسره، تصویر همان چیزی بود که خداوند در زندگی از ما می خواهد، نه آن چیزی که ما امروزه انجام می دهیم زیرا که مسیح قانون آن را وضع کرده است. اما خداوند تغییر نکرده است و همچنان به جزئیات توجه می کند. تا زمانی که سامسون به وعده ی خود با خداوند پایبند بود، خداوند نیز به او قدرت و نیرو می بخشید. روزی، یک شیر به سامسون حمله کرد و او توانست با دستان قدرتمندش شیر را بکشد! بار دیگر اسرائیلی ها او را به فلسطینی ها تحویل دادند و در همان زمان سامسون طنابهای دست و پای خود را از هم درید و سپس توانست به تنهایی 1000 فلسطینی را به قتل برساند! بار دیگر، فلسطینی ها شهر را احاطه کردند. سامسون دروازه های شهر را در هم شکست و آن ها را به بالای تپه ای کشاند. هیچ وقت نبوده است که فلسطینی ها بتوانند بر قدرت سامسون پیروز گردند. به همین ترتیب، قدرت خداوند در وجود ما دشمنانمان قرار دارد، اما شیطان نمی تواند پیروز شود. بعدها سامسون عاشق زنی فلسطینی شد که او را دلیله می نامیدند. دلیله سامسون را فریب داد تا بتواند راز قدرت او را بفهمد تا اینکه متوجه شد قدرت سامسون بخاطر موهای بلندی است که دارد. وقتی که زن موهای سامسون را کوتاه کرد، قدرت سامسون نیز از بین رفت! فلسطینی ها نیز او را گرفتند، کورش کردند و به زندان انداختند. خداوند به جزئیات اهمیت می دهد. در زندگی ما، می توانیم در کلیسا حضور به عمل آوریم اما به آن توجهی نداشته باشیم. این کار مانند نافرمانی تافی در این درس می باشد، یا می تواند نافرمانی در برابر والدین و یا شخص دیگری باشد. هر آنچه که هست، فراموش نکنید که نمی توانید چیزی را از خداوند مخفی کنید. وقتی متوجه این موضوع شدید، به درگاهش توبه کنید. بعد از مدتی، موهای سامسون مجدداً رشد کرد. در یک مراسم بسیار بزرگ، فلسطینی ها سامسون را آوردند تا مورد تحقیر و تمسخر قرار دهند، در همین هنگام سامسون از خداوند درخواست کرد تا قدرتش را به او بازگرداند، او توانست ستون قلعه را نابود کرده و بیشتر فلسطینی ها را به قتل برساند. به صورت مشابه، مسیح بر روز زمین با قدرت خداوند حرکت می کرد. هیچ کس نمی توانست او را متوقف سازد. هر چند که سامسون مرتکب اشتباهاتی شده است، اما مسیح هرگز گناه نکرده است. درست مانند سامسون، مسیح در برابر تمامی گناهان پیروز شد و شیطان با تمام قدرتش زمانی که مسیح به صلیب کشیده شد، نابود شد. بخاطر مسیح، بخشایشی در گناهانی که ممکن است مرتکب آن ها شویم، وجود دارد. مسیح با ماست و به ما خواهد آموخت که چگونه برای خداوند زندگی کنیم و چگونه به جزئیات توجه کنیم.

من با جزئیات کامل از خداوند پیروی می کنم.

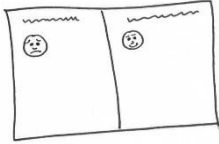
نتیجه شماره 5

وقتی که والدینش رسیدند، همراه خود مهمانانی آورده بودند تا با هم غذا بخورند. در کمال تعجب، دیدند که غذایی که درست کرده بودند، کاملاً سوخته است.

فعالیت شماره 5

فرصت جدید





روی یک کاغذ خطی ترسیم کنید به نحویکه صفحه را به دو قسمت تقسیم کنید. بخش اول را به اشتباهات خود اختصاص دهید. بخش دوم را به ایده هایی اختصاص دهید که چگونه خداوند به شما شانس دیگری می تواند بدهد و چگونه از آن ها می توانید استفاده کنید.

زمانبندی شماره 5

در چه سالی سامسون بدنیا آمد؟ دقیقا نمی دانیم، اما تصور می شود که او در سال 1119 قبل از میلاد به دنیا آمده است. سامسون در چه سالی فوت کرد؟ به طور دقیق نمی دانیم، اما تصور می شود در سال 1079 قبل از میلاد فوت کرده است.

پاسخ پازل شماره

س	ی	ق	ص	ن	ه	چ	ب	ت	ط	ف
و	ا	ر	ی	س	م	ا	ن	ه	ا	س
چ	س	م	ه	ف	ع	س	ل	ی	ق	ه
ق	ت	د	س	م	ا	ی	ت	ص	ن	ت
ت	خ	ط	ی	و	ح	و	ر	ق	ر	ش
ه	و	ع	د	ه	ن	ی	د	د	م	ر
ن	ا	ص	ر	ی	ش	م	ق	ر	ع	ف
ص	ن	ا	ی	ن	ق	ی	ت	ب	و	چ
ف	ف	ل	س	ط	ی	ن	ی	ه	ا	ف
س	ک	ع	د	ل	ی	ل	ه	ا	ط	ص

درست یا غلط

اگر پاسخ درست بود، دور شکل 👍 خط بکشید و اگر نادرست بود دور شکل 👎 خط بکشید.

قدرت سامسون در قلبش بود 👍👎

دلیله سامسون را تحقیر کرد و او را به مردم فلسطین تحویل داد 👍👎

بسیاری از فلسطینی ها انفجار معبد مردند، اما سامسون زنده ماند 👍👎

سامسون حتی بدون موهایش نیز، قدرتمند بود 👍👎

سامسون با استخوان فک یک الاغ هزار نفر را کشت 👍👎





سوالات و پاسخ های شماره یک (برای دانش آموزان بزرگتر)

- آیا می توانم کارها را به روش خودم انجام دهم؟ (اگر می خواهیم عهده دار آیین مسیح باشیم، باید از راه و روش او پیروی کنیم، رستگاری، هدیه ای بی بهاست، در نهایت این ما خواهیم بود که با جزئیات تمام زندگی مان نزد خداوند حاضر خواهیم شد.)
- افراد نیکوکار به بهشت می روند، درست است؟ (در مورد تفاوت بین خوب بودن و اینکه مسیح با خوبی اش از گناهان ما می گذرد، بحث کنید. هیچ شخصی به اندازه کافی خوب و بی گناه نیست)
- چرا باید به خداوند اعتماد کنیم؟ (خدا تنها کسی است که می توانیم به او اعتماد کنیم. پدرانمان، کشیش ها، معلمان ممکن است گاهی اوقات ما را ناامید کنند و این موضوع برایمان سخت خواهد بود، اما در نهایت تنها باید به خداوند تکیه کنیم)



بازی شماره 5

بازی توجه

بچه ها به دور یک دایره می نشینند و شخصی در مرکز این دایره قرار می گیرد و سعی می کند تا حدس بزنید چه کسی به عنوان سرگروه است. سرگروه بدون آنکه شخصی که در مرکز قرار دارد، متوجه شود، انتخاب می شود. سرگروه انتخاب شده یک کاری را انجام می دهد و بقیه بچه ها از او الگوبرداری کرده و آن کار را تکرار می کنند. این کار می بایست کار ساده ای باشد مانند نوازش کردن سر، لمس کردن بینی، گوش و غیره. وقتی که دانش آموز واقع شده در مرکز دایره بتواند سرگروه را تشخیص دهد جایش را با سرگروه عوض می کند و بازی ادامه خواهد داشت.



حضور شماره

کارت های امروز را به بچه هایی که در کلاس حضور داشته اند، بدهید. از آن ها تقدیر کنید و جهت حضور در کلاس هفته بعد و دریافت کارت حضور بعدی، آن ها را تشویق کنید، زیرا با این کارت ها می توانند بازی قهرمانان را انجام دهند! عنوان کارت امروز عبارت است از:
سامسون

تکالیف شماره

تکلیف شما در این هفته، توجه کردن به جزئیات زندگی است. آیا از والدین خود اطاعت می کنید؟ آیا با مردم رابطه خوبی دارید؟ آیا تا بحال کسی را بخشیده اید؟ آیا کاری کرده اید که آن را از بزرگان (والدین، معلم، کشیش و ...) مخفی کرده باشید؟ اگر جزئیاتی از زندگی تان جا مانده است، آن را اضافه کنید، از خداوند بخواهید که شما را ببخشد و از او کمک بخواهید، نزد یکی از بزرگان اعتراف کرده، سپس توبه کنید. دقت کنید که نسبت به تک تک جزئیات زندگی تان، کار درستی انجام دهید.

بخوانید

روز اول: روت 1:1-7

روز دوم: روت 1:1-18

روز سوم: روت 2:1-4

روز چهارم: روت 2:19-23

روز پنجم: روت 4:9-15





خداوند به شما برکت می دهد

داستان کتاب مقدس: روت

روت: روت 1:1-3, 16:4-22

داستان نیاز



اما به کسی که به من توکل کرده است برکت خواهم داد. 8 او مثل درختی است که در کنار آبی روییده و در زمین پر آب ریشه دوانده است. از هوای گرم هراسی ندارد، چون برگهایش همچنان سبز میمانند. از نباریدن باران نیز نگران نیست، و همچنان میوه خواهد آورد. ارمیا 17: 7-8



داستان نیاز شماره 6

پیشنهادی به کلاس ارائه داد. « پیشنهاد می کنم هر روز بعد از کلاس اینجا بمانید و به من در تمیز کردن Comet امروز در مدرسه، معلم کلاس و تشخیص متریاال های مختلف کمک کنید. سپس می توانیم بلافاصله کارهای خود را در کمال شادی به اتمام برسانیم و به خانه برویم. با این ایده موافق بودند اما با این تفاوت که Comet هر کسی که به من کمک کند، پایان ترم به او هدیه ای خواهم داد. ». همه از جمله تا خانه بسیار زیاده تر از بقیه بود. از زمانی که بچه ها شروع به ماندن بعد از کلاس کردند، فکری به سرشان می زد. گاهی Comet راه دست از اوقات فکر می کردند که اینکار ارزش ماندن ندارد و شاید هدیه ی معلم، هدیه کوچکی باشد و به زحمت آنان نیارزد. اما کمک کردن به معلم نکشید. او همیشه آنجا بود بدون اینکه حتی به پاداش معلم فکری کند.

درس اصلی شماره 6

مجددا خوش آمدید! در زمان قضات قدیمی مانند یفتاح و سامسون، داستان زیبای دیگری نیز اتفاق افتاد. یک اسرائیلی خانواده خود را به خاطر قحطی و کم آبی، به موآب انتقال داد. در طول 10 سال، پدر و هر دو پسر خانواده فوت کردند. ما در دنیایی زندگی می کنیم که با گناه آلوده شده است، و اتفاقات بد بصورت مشابه هم برای مسیحیان و هم برای غیر مسیحیان اتفاق می افتد. مسیح در جایی گفت که مشکلات همیشه وجود دارد اما باید بدانیم که خداوند در سختی ها در کنار ماست. زن بیوه ی خانواده که نائومی نام داشت به همراه دو دختر خوانده اش، روث و اورفا به اسرائیل بازگشت. در راه به دلیل سختی های سفر، نائومی تصمیم گرفت تا دخترانش را به خانه شان در موآب بازگرداند، زیرا تصور می کرد اینکار برایشان بهتر است. آن ها یکدیگر را دوست داشتند و خداحافظی از یکدیگر برایشان سخت بود. اورفا به موآب بازگشت، اما روث در کنار نائومی باقی ماند و نخواست او را در راه تنها بگذارد و به او گفت که خدای نائومی و مردم، خدای روث و مردم است. نائومی به روث گفت که در خانه جدیدشان در بیت لحم، زندگی شان بسیار سخت تر خواهد بود، اما روث به نائومی وفادار ماند و تنهایش نگذاشت. روث در بیت لحم، در مزرعه Boaz شروع به کار کرد و به همراه نائومی تلاش کردند تا زندگی شان را بسازند. روث هر کاری که مادر خوانده اش می گفت بدون آنکه سوالی و اعتراضی کند، اطاعت می کرد. وفاداری، سرسختی و اطاعت انسان نزد خداوند بسیار زیاده تر از لباس ها، مدل مو، آرایش و جواهرات اوست. Boaz نیز همینطور فکر می کرد. او به روث گفت تا به کار کردن در مزرعه ادامه دهد زیرا از تو محافظت خواهم کرد. مهربانی، سخاوت و عدالت Boaz، منعکس کننده خصلت های زیبای مسیح بود و این خصوصیات او بسیار مهمتر از قدرت و خوش تیبی اش بود. کتاب مقدس می گوید زمانی که ما خود را وقف خداوند می کنیم، وقتی که تصور می کنیم که او مهمترین و باارزش ترین چیز در زندگی ماست، او نیز به قلب ما شور و شوق می بخشد (مزمور 37:4). مسیح نیز گفته است که خداوند می آید تا در زندگی به ما فراوانی بخشد. (یوحنا 10:10). مسیح همچنین گفته است وقتی به خداوند یک چیز می دهیم او 100 ها بار به ما پاداش و نعمت می بخشد، برخی را در زندگی دنیوی و برخی را در زندگی اخروی! (متی 19:28-30). خداوند می خواهد که به زندگی ما برکت بخشد. Boaz و روث با یکدیگر ازدواج کردند و پسر کوچکی را به دنیا آوردند که به زندگی نائومی شادی و سرخوشی بخشید. گاهی اوقات خداوند نعمت را در کمک به دیگران به ما می بخشد. Boaz و روث تبدیل به پدر بزرگ و مادر بزرگ پادشاه آینده آن سرزمین یعنی داوود و از اجداد عیسی مسیح گردیدند. لطف و نعمت خداوند به شما ممکن است در زندگی نسل های بعدی شما نماینگر شود و یا در زندگی دوستی که همیشه برای او آرزوی خیر می کردید، و یا به صورت رسیدن به شغل مورد علاقه تان، پس فراموش نکنید که فرصت های بزرگ خداوند در راه است. خداوند همچنین از چیزهای کوچک برای نشان دادن عشق و علاقه اش به ما استفاده می کند. خداوند به دنبال برکت و نعمت برای ماست، و زمانی که شما خداوند را در اولویت خود قرار می دهید و به روشی که او دوست دارد، زندگی می کنید، خداوند نیز به زندگی شما برکت و نعمت می بخشد. من معتقدم خداوند می خواهد به زندگی من خیر و برکت ببخشد و من تمام تلاشم را خواهم کرد تا از او بی چون و چرا پیروی کنم.

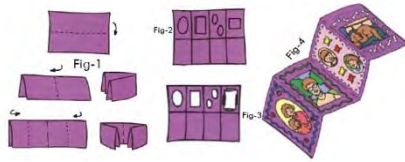
نتیجه شماره 6

روز فرا رسید، و معلم در کمال تعجب دید که Comet تنها کسی بوده که آنجا مانده تا کارها را به اتمام برساند. فکر میکنید پاداش معلم چه بود؟...
بود، زیرا او می توانست زودتر به خانه برود و با وجود اینکه خسته بود آنجا ماند تا کارها را به Comet وای، یک دوچرخه! دوچرخه هدیه ی معلم به اتمام برساند.





فعالیت شماره 6 یادآور



فعالیت زیر برای این است که دانش آموزان بخاطر بیاورند که خداوند چه چیزهایی را به آن ها بخشیده است.

بردارید و آن را تا کنید، همانطور که در تصویر مشاهده می کنید. چند فضای A4 یک کاغذ سایز نامه یا خالی بکشید تا بتوانید در آن فضاها نقاشی یا تصویری را ترسیم کنید. اگر عکسی در خانه دارید، می توانید آن را بریده و در فضای خالی بچسبانید. تصاویر و نقاشی ها می توانند تصاویر اعضای خانواده و یا چیزهایی باشند که در حال حاضر متعلق به شما هستند و آن ها را بسیار دوست دارید.

زمانبندی شماره 6

در چه زمانی داستان روث اتفاق افتاد؟ الف. دقیقا نمی دانیم اما تصور می شود که متعلق به سال 1230 قبل از میلاد بوده است.

پاسخ پازل شماره

س	ج	ع	ض	ز	ر	س	ر	گ	ج	ض	ز	ق
غ	ل	ه	د	ن	ش	خ	ب	د	س	ط	س	ل
ذ	ی	ز	ق	ط	ل	و	آ	و	ا	خ	ا	ی
ا	ر	ا	ط	ج	د	ر	ا	و	ر	ا	ی	ن
ز	ا	ض	ه	ز	ع	م	ض	ل	ض	ه	ل	ا
د	ق	ب	ض	د	ق	ب	ض	د	ق	ب	ض	د
ع	ا	س	ا	س	ا	م	ق	م	ر	ی	خ	م
خ	ف	گ	ف	ر	ف	ر	ف	ر	ف	ر	ف	ه
س	و	س	و	س	و	س	و	س	و	س	و	م
ی	ل	ی	ل	ی	ل	ی	ل	ی	ل	ی	ل	س
ط	ج	ض	ز	ا	ج	ض	ز	ا	ج	ض	ز	ع



سوالات و پاسخ های شماره یک

(برای دانش آموزان بزرگتر)

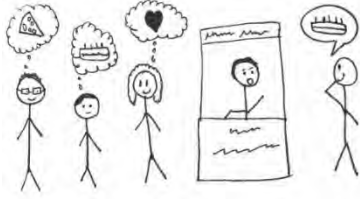
- چه چیزی در درون من است؟ (خداوند بخشنده است، و او دوست دارد تا روزی بخش ما باشد. بزرگترین آرزوی شما چیست؟ چند سال صبر کنید تا ببینید خداوند آرزوی شما را برآورده خواهد ساخت! دقت کنید که دانش آموزان از چه چیزی از خداوند درخواست می کنند، کمک کنید که درخواست آن ها به یک ماشین یا یک موبایل جدیدتر نیانجامد و چیزهای بزرگتر و باارزش تری را از خداوند درخواست کنند.)
- اگر خداوند روزی رسان است، پس چرا بعضی اوقات اجازه می دهد که اتفاقات بدی برایمان بیفتد؟ (ما در دنیایی زندگی می کنیم که پر است از گناه و بدون شک اتفاقات ناگواری هم برایمان اتفاق می افتد. علاوه بر این، خداوند بیشتر از آنکه مراقب جسم ما باشد، مراقب قلب ماست. روح و ضمیرناخودآگاه ما، درونی هستند، اما جسم اینگونه نیست. خداوند از درد و رنج برای رسیدن به کمال و تغییر میزان عفوت قلبمان استفاده می کند.)
- چرا همه در کلیسا می گویند «خدایا ما را بیمارز» ؟ (شاید اینکار تبدیل به یک عادت شده است، نوعی خوشامدگویی، اما از آنجایی که همه به آن خو گرفته اند... چرا ما هم در آن شرکت نکنیم؟)





بازی شماره 6

مجموعه ای از برکت ها و نعمات



یک نفر به عنوان فروشنده در نظر گرفته می شود، شخص دیگری خریدار خواهد بود و مابقی دانش آموزان می توانند به عنوان نعمت های زندگی در نظر گرفته شوند. معلم نام نعمت ها را برای بچه ها مشخص خواهد کرد (به مثال زیر توجه کنید). وقتی که خریدار از راه می رسد، می گوید: من یک نعمت می خواهم. فروشنده خواهد گفت: به دنبال چه نعمت و برکتی هستید؟ شما می توانید از لیست نعمت های ما یکی را انتخاب کنید. خریدار می پرسد، قیمت این نعمت چقدر است؟ اگر آن نعمت وجود داشته باشد، دانش آموزی که نامش همان نعمت است، سن خود را فریاد می زند و شروع به دویدن می کند به نحویکه کسی نتواند او را بگیرد. خریدار با دست دادن به فروشنده مثلاً پول آن نعمت را پرداخت می کند و با یکدیگر تلاش می کنند تا به دنبال دانش آموز فراری (نعمت مورد نظر) بدونند و او را بگیرند. اگر بتوانند او را بگیرند، بازیکن دوندۀ می بازد و در غیر این صورت، باز می گردد و نام نعمت دیگری را برای خود برمی گزیند.

نام نعمت ها می تواند موارد زیر باشد:

1. غذا
2. رستگاری
3. سلامتی
4. همبرگر
5. لباس
6. شیرینی
7. کیک
8. اسباب بازی
9. صلح
10. حکمت
11. شادی
12. خانواده
13. عشق
14. دوستان
15. زندگی ابدی

فعالیت اختیاری: می توانید از یک میز، صندلی، درخت و یا حتی یک سنگ برای نمایش فروشگاهی کوچک استفاده کنید. 16.

حضور شماره

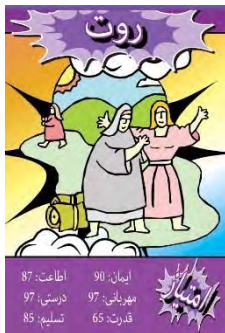
کارت های امروز را به بچه هایی که در کلاس حضور داشته اند، بدهید. از آن ها تقدیر کنید و جهت حضور در کلاس هفته بعد و دریافت کارت حضور بعدی، آن ها را تشویق کنید، زیرا با این کارت ها می توانند بازی قهرمانان را انجام دهند! عنوان کارت امروز عبارت است از:

روت

تکالیف شماره

تکلیف شما در این هفته، فکر کردن به چیزی است که متعلق به شماست و آن را دوست دارید، به عنوان مثال خانواده تان، یک دوست، خانه یا رختخوابتان، یک عروسک، کلاس مورد علاقه تان در مدرسه و غیره. از خداوند هر روز این هفته بابت این نعمت ها تشکر کنید.

بخوانید



روز اول: روت 1:1-8

روز دوم: روت 1:9-9

روز سوم: روت 3:1-6

روز چهارم: روت 3:7-4

روز پنجم: روت 3:15-21





خداوند شما را استخدام می کند

داستان کتاب مقدس: ساموئل

اول سموئیل : ساموئل 1:1-3, 28-12

داستان نیاز 

شما مرا برنگزیده‌اید بلکه من شما را برگزیده‌ام و مأمور کرده‌ام که بروید و میوه بیاورید، میوه‌ای که دائمی باشد تا هرچه به نام من از پدر بخواهید به شما عطا نماید.

یوحنا 16:15



درس نیاز شماره 7 

آن‌ها در حال برگزاری مدرسه یکشنبه‌های تعطیلات بودند. همه بچه‌ها برای اجرای نمایش و چند مورد دیگر Comet در کلیسای کاری برای مشارکت با Comet خود را آماده کرده بودند. همه این کارها توسط معلم مدرسه یکشنبه‌ها مدیریت می‌شد، اما دیگران نداشت. او بسیار ناراحت بود و احساس بی‌هوگی می‌کرد، تصور او بر این بود که خداوند نمی‌خواهد از او برای انجام کارهای خیر استفاده‌ای کند.

درس شماره 7 



به فرمانان ایمان خوش آمدید! امروز می‌خواهیم در مورد ساموئل بیاموزیم، آخرین حکمران اسرائیل و اینکه خداوند چگونه او را فراخواند. آیا تمام مردان و زنان باایمانی که در مورد آن‌ها خوانده ایم، را به خاطر دارید؟ فکر می‌کنید ساموئل شبیه به کدام یک از آن شخصیت‌ها بوده است: یک جنگجوی بزرگ، یک مرد ثروتمند، یا یک کشیش؟ بیایید ببینیم که خداوند چگونه او را فراخوانده است. زنی در اسرائیل نمی‌توانست هیچ بچه‌ای داشته باشد و این موضوع او را بسیار غمگین کرده بود. روزی زن به همراه همسرش برای عبادت خداوند به معبد رفتند، زن در معبد به آرامی از خداوند درخواست فرزندی کرد و گفت که در این صورت آن بچه را تقدیم درگاه خداوند خواهد کرد. بعد از اینکه زن و شوهر به خانه رفتند، خداوند به عبادت آن‌ها پاسخ داد و زن صاحب پسری کوچک به نام ساموئل شد. او ساموئل را به معبد برد و ساموئل در آنجا و تحت نظارت کشیش Eli بزرگ شد و پرورش یافت. روزی، وقتی که ساموئل تنها یک پسر بچه‌ی کوچک بود، در داخل معبد خوابیده بود و با شمع‌ها بازی می‌کرد. در طول شب، صدای شنید که می‌گفت: «ساموئل! ساموئل». ساموئل فوراً بیدار شد و با عجله به سمت کشیش Eli دوید و به او گفت: «بله، پدر من اینجا هستم!» اما این پدر Eli نبود که او را صدا کرده بود. بعد از سه بار، Eli متوجه شد که این خداوند است که ساموئل را فراخوانده است. او به ساموئل گفت که به جایش برگردد و به ندای خداوند گوش فرا دهد. دفعه بعدی که خداوند ساموئل را صدا زد، ساموئل پاسخ داد: «بله، اینجا هستم!». وقتی که خداوند تصمیم می‌گیرد تا کاری اعجاب‌انگیز در قلمرو حکومت خود انجام دهد، تصور ما بر این است که در این مواقع خداوند از فرشتگان خود استفاده می‌کند و یا با صدایی عجیب و غریب قرار است به ما سخت بگوید. خداوند هر دوی اینکارها را انجام می‌دهد، اما در بیشتر موارد، ترجیح می‌دهد که از انسان‌های عادی مانند من و شما برای انجام این کارهای بزرگ استفاده کند! خداوند نه تنها از پدران روحانی، بلکه از مبلغان و معلمان نیز برای انجام این کارها استفاده می‌نماید. خداوند می‌خواهد از شما نیز، حتی با وجود اینکه کودکی بیش نیستید، برای انجام کارهای بزرگ استفاده کند! بعدها خواهیم دید که چگونه خداوند از Comet در داستان امروز ما برای انجام کاری بزرگ، استفاده کرد. مسیح می‌گوید حتی گوسفند او نیز می‌تواند صدای خداوند را بشنود و آن را تشخیص دهد. (یوحنا 10:27). آماده باشید تا خداوند شما را نیز همانند ساموئل صدا زند، زمان‌های خود را در کلیسا سپری کنید و تا آنجا که می‌توانید به افراد کمک کنید. از والدین، معلمان و پدر روحانی‌های خود راهنمایی بگیرید تا یاد بگیرید چگونه به صدای خداوند گوش فرا دهید. سپس زمانی که خداوند صدایتان می‌زند، بگویید «من اینجا هستم!» و هر آنچه که او از شما می‌خواهد، را انجام دهید. بعد از اینکه ساموئل پیام خداوند را دریافت کرد، در طول شب خوابید و صبح هنگام ماجرا را برای Eli تعریف کرد. اگر خداوند در وسط غذا خوردن در یک رستوران شما را فرا بخواند، باید بتوانید بدون اینکه چیزی حواستان را پرت کند به کلام خداوند گوش دهید. از خود پوشش بطلبید و به اتاق استراحت بروید تا به عبادت بپردازید. شاید اینکار به نظر احمقانه بیاید اما باید به خاطر داشته باشید که خداوند در هر جایی می‌تواند با شما سخن بگوید. سپس به جایی که بودید بازگردید و به والدین یا معلم خود در مورد اتفاق رخ داده در یک زمان مناسب توضیح دهید. ساموئل صادقانه کلام خداوند را در طول زندگانی خود به مردم انتقال داد. او آخرین پیشرو قوم بنی اسرائیل بود و خداوند از او برای انتصاب یکی از دو پادشاه نخست اسرائیلی‌ها استفاده کرد.

من آماده‌ام تا خداوند من را صدا زند.





نتیجه گیری شماره 7

او در تعطیلات به مدرسه یکشنبه ها رفته بود. اما یک روز یکی از پسرهای مدرسه را دید که در حال گریه کردن است و می گوید هیچ کس او را شروع به صحبت کردن در مورد کلام خداوند با او کرد و به او گفت که خداوند او را بسیار دوست دارد و همیشه در کنار Comet می خواهد. Comet از پسرک دعوت کرد که به کلیسا بیاید و از آن به بعد پسرک و مادرش هرگز رفتن به کلیسا را ترک نکردند. آنجا بود که Comet اوست. فهمید که خداوند واقعا می خواهد که او جزئی از ارتش خداوند باشد.



فعالیت شماره 7

صدا زدن

بر روی یک کاغذ بنویسید که تصور می کنید خداوند چگونه شما را صدا می زند و یا از چه طریقی و در چه سنی و شرایطی، از شما برای کمک به دیگران استفاده می کند. به عنوان مثال: صحبت کردن از طریق کتاب مقدس، یک معلم، کمک کردن در رویدادهای کلیسا، کمک به هم مدرسه ایی که می بینید غمگین است و فکر می کند در زندگی هیچ ارزشی ندارد.

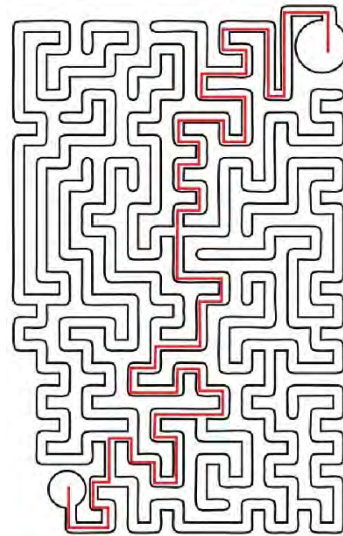


زمانبندی شماره 7

در چه سالی ساموئل پیشوایی قوم بنی اسرائیل را آغاز کرد؟ به طور دقیق می دانیم از چه سالی، اما تصور می شود که از سال 1143 قبل از میلاد بوده است. ساموئل در چه سالی فوت کرد؟ به طور دقیق می دانیم از چه سالی، اما تصور می شود که در سال 1055 قبل از میلاد بوده است.

پاسخ پازل شماره

ی	ق	خ	ر	ق	ئ	ه	خ	س	ن	گ
ط	ل	ل	ی	ئ	ا	ر	س	ا	ع	پ
گ	س	ا	ش	ن	و	ض	ق	م	گ	ی
خ	د	ا	و	ن	د	ن	ی	و	و	ا
ن	ش	خ	گ	ا	ا	ه	ر	ئ	ش	م
ر	ع	ب	ض	م	ط	گ	و	ل	د	ب
خ	ه	ط	ی	ت	م	ا	س	ه	ا	ر
و	ر	ا	ئ	ض	خ	م	ن	ل	د	ع
ا	ا	ط	ا	ع	ت	ک	ر	د	ن	گ
ب	س	ق	ه	گ	و	ش	م	ا	ی	پ

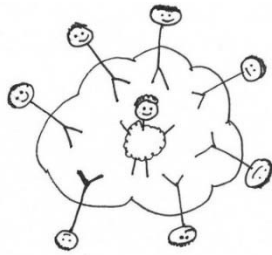




سوالات و پاسخ های شماره یک (برای دانش آموزان بزرگتر)

- اما من چه وجه تمایزی می توانم داشته باشم؟ (اینکه یک آدم به کجاها می تواند برسد، امری بسیار شگفت انگیز است. با وجود اینکه انسان ها کوچک به نظر می رسند، اما می توانم کارهای بسیاری بزرگی انجام دهیم. بهتر است برای چند لحظه اعداد و ارقام بزرگ و میلیون ها نفر که گرسنه هستند، را فراموش کنیم و تنها بر روی یک شخص تمرکز کنیم. آیا کسی در اطرافتان هست که نیاز به کمک داشته باشد؟ کمک کردن به یک نفر به ما کمک می کند تا اینکار را شروع کنیم... و سپس کمک به نفر بعدی... در نهایت به زودی شما فردی متمایز خواهید بود.
- چرا برای همه آدم های روی کره زمین، غذا و پول کافی نیست؟ (به دانش آموزان کمک کنید که در مورد چنین موقعیتی فکر کنند. شاید خداوند از ما می خواهد که کمک کردن به یکدیگر را یاد بگیریم، شاید این هم گناهی است که با حضرت آدم به کره زمین آمده است.
- چه می شود اگر کسی از من متنفر باشد؟ (قرار نیست ما با همه افراد دوست باشیم، بلکه خداوند از ما خواسته حتی به دشمنانمان نیز کمک کنیم. چه کسی می داند؟ شاید خداوند برای هر شخص برنامه ی ویژه ای دارد و از ما برای اجرایی کردن این برنامه استفاده می کند.

بازی شماره 7 بازی گرگ و گوسفند

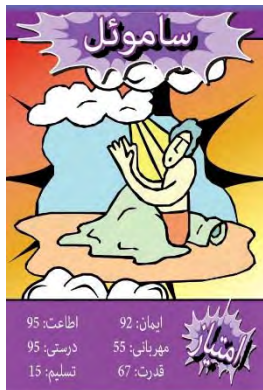


بچه ها به دور یک دایره دست یکدیگر را می گیرند. یکی از بچه ها را به عنوان گرگ و یکی را به عنوان گوسفند انتخاب کنید. گوسفند در داخل حلقه ای که بچه ها ایجاد کرده اند، قرار می گیرد و گرگ بیرون حلقه می ایستد. بچه ها باید بگونه ای دستان یکدیگر را بگیرند که گرگ نتواند به داخل حلقه نفوذ کند. گرگ تلاش می کند تا از بالای دست ها، زیر دست ها و هر طریق دیگری به داخل حلقه برود و گوسفند را بگیرد. گرگ از بین دستان هر دو شخصی که بتواند وارد حلقه شود، پیروز می شود و آن دو شخص از حلقه خارج می شوند و یکی از آن ها تبدیل به گرگ و دیگری گوسفند می شود.

حضور شماره

کارت های امروز را به بچه هایی که در کلاس حضور داشته اند، بدهید. از آن ها تقدیر کنید و جهت حضور در کلاس هفته بعد و دریافت کارت حضور بعدی، آن ها را تشویق کنید، زیرا با این کارت ها می توانند بازی قهرمانان را انجام دهند! عنوان کارت امروز عبارت است از:

ساموئل



ایمان: 92	اطاعت: 95
مهربانی: 55	درستی: 95
قدرت: 67	تسلیم: 15

تکالیف شماره

تکلیف این هفته این است که هر روز کاری نیکو انجام دهید، به عنوان مثال به یک شخص پیر کمک کنید تا از خیابان رد شود، به شخصی کمک کنید تا وسایل خریدش را از سوپرمارکت تا خانه برد، به همکلاسی خود کمک کنید تا تکالیف خود را انجام دهد. در کلاس درس بعدی، به معلم خود در مورد کارهایی که انجام داده اید، توضیح دهید.

بخوانید

روز اول: 1 سام 5:6-6

روز دوم: 1 سام 5:7-12

روز سوم: 1 سام 6:1-6

روز چهارم: 1 سام 6:7-12

روز پنجم: 1 سام 6:13-16:7





خداوند بسیار قدرتمند است



داستان کتاب مقدس: کشتی عهد (تابوت عهد)

کشتی عهد : اول سموئیل: 1:4-1:5, 11-21:6

داستان نیاز



زیرا خداوند خدایان، خدای خدایان و خداوند خداوندان است. خدایی است با عظمت و توانا و با هیبت. تبعیض را نمی‌پسندد و رشوه نمی‌گیرد.

تثیبه 10:17

درس نیاز شماره 8

روزی Kip به همراه دوستش در کلیسا بود، دوست Kip به خاطر اینکه سرش صدمه دیده بود، دائما در حال گریه کردن بود. Kip فکر کرد شاید بهتر باشد برای دوستش دعا کند، شاید از این طریق سردرد برای همیشه او را رها کند. Kip چند لحظه دعا کرد و فکر می‌کنید چه اتفاقی افتاد؟...

تصور کرد که قدرت شفابخشی بیماران را دارد و فراموش کرد که این کار او نبوده بلکه کار خداوند بوده است. او Kip دوستش دیگر احساس سردرد نکرد! از آن روز در مورد آنچه که می‌تواند انجام دهد، به دوستانش در مدرسه گفت و به آن‌ها فخر فروخت.

درس اصلی شماره 8

هفته پیش ما یاد گرفتیم که خداوند دوست دارد از مردم برای انجام کارهای جالب استفاده کند. این هفته یاد خواهیم گرفت که او نیازی به انسان‌ها ندارد. در روزگارهای قدیم، خداوند در میان مردم اسرائیل و در بالای یک جعبه بزرگ طلایی که به آن Ark می‌گفتند، حضور داشت. در داخل Ark، ده لوح به همراه ده فرمان قرار داشت، کارمند Aaron، و یک شیشه از manna و یا نانی از بهشت قرار داشت که اسرائیلی‌های می‌توانستند از آن در زمان خشکسالی بخورند. بعد از اینکه خداوند ساموئیل را فراخواند، که در مورد آن هفته پیش خواندید، اسرائیلی‌ها درگیر جنگی بزرگ با فلسطینی‌ها بودند. اسرائیلی‌ها اولین جنگ را باختند و به همین خاطر سراغ Ark خداوند رفتند زیرا تصور می‌کردند با کمک آن می‌توانند به طور قطع برنده نبرد شوند زیرا خداوند آنجا حضور دارد. گاهی اوقات ما فکر می‌کنیم که خداوند باید کاری را انجام دهد که ما از او می‌خواهیم، مانند kíp که امروز در مورد آن خواندیم. اما خداوند منتظر دستورالعمل‌های مختلف از سوی ما نیست. خداوند قدرت مطلق است و خودش مقاصدش را پیاده‌سازی می‌کند. روز دوم جنگ، ارتش اسرائیل باز هم شکست خورد و فلسطینی‌ها Ark را از آن خود کردند. اسرائیلی‌ها به شدت ترسیده بودند. گاهی اوقات ما نگران شهرت و اعتبار خداوند هستیم، در حالی که خدا بسیار بزرگ است و می‌تواند بخوبی از پس هر کاری برآید. فلسطینی‌ها Ark را تصاحب کردند و آن را داخل معبدی و در زیر پاهای بتی به نام Dagon قرار دادند. صبح هنگام، بت با صورت بر روی Ark فرود آمده بود! آن‌ها بت را سر جایش قرار دادند، اما صبح روز بعد مجدداً بت به زمین افتاده بود و دست و صورتش شکسته بود. علاوه بر این بیماری تومورمانندی در سطح شهر و بین مردم شایعه شده بود. خداوند قدرت مطلق است و می‌تواند در نبردهای خود به راحتی بچنگد. فلسطینی‌ها Ark را به سه شهر مختلف انتقال دادند و در هر شهری که می‌بردند، بیماری در بین مردم گسترش می‌یافت. سپس آن‌ها Ark را بر روی طبقی قرار داده و بر روی یک گاو قرار دادند تا نزد اسرائیلی‌ها ببرد. خداوند آن گاو را بدون نیاز به کمک هیچ انسانی، به سمت قوم بنی اسرائیل هدایت کرد. وقتی که Ark به اسرائیل رسید، مردم از آن نوشیدند اما برخی از آن‌ها مردند، زیرا به طرز غیرمعمولی به داخل Ark نگاه کرده بودند. مسیح می‌گوید از تنها کسی که باید بترسیم، خداوند است - اما نباید فراموش کنیم که خداوند پدر همه ما نیز هست و کسی است که حتی به کوچکترین جزئیات (مانند موی سر ما) نیز دقت می‌کند. او ما را دوست دارد و از ما مراقبت می‌کند. هرگز نیاز نیست نگران چیزی باشیم. در زمان‌های قدیم، حضور خداوند در جعبه‌ای به نام Ark بوده است. اما حالا به خاطر ظهور مسیح، می‌دانیم که حضور خداوند در قلب ماست. (1 قرن‌تیا 19:6). عیسی مراقب تمام آنچه‌هایی بود که در Ark قرار داشت - مسیح پایبند قوانینی بود که در آن لوح‌ها آمده بود، او کشیشی دائمی بود، درست همانند آنچه که کارمند Aaron ارائه کرد و هر روز غذای روح و بهشتی ما بود. به قلب خود اشاره کنید. وقتی که به مسیح اعتقاد داشته باشید، تبدیل به Ark خداوند خواهید شد! قدرت نامتناهی خداوند وارد زندگی شما خواهد شد و هر جا که بروید با شما خواهد بود.

من بر این باورم که خداوند قدرت مطلق است و به او احترام می‌گذارم. من انتخاب کرده‌ام تا مسیح سرور و پادشاهم باشد و به او اعتماد دارم و دیگر نگران هیچ چیز نیستم.





نتیجه شماره 8

برای Kip به او گفت که برای او دعا خواهد کرد و او فوراً خوب خواهد شد. Kip در مدرسه گوش درد داشت. Kip روزی یکی از همکلاسی های Kip بسیار شرمنده دوستش شد؛ به همین دلیل با معلم مدرسه صحبت کرد ماجرا را به او گفت. معلم Kip پسرک دعا کرد، اما هیچ اتفاقی نیافتاد. توضیح داد که آن قدرت خداوند بوده که اثر شفابخشی داشته است.



فعالیت شماره 8

آیات

1	2	3	4	5
---	---	---	---	---

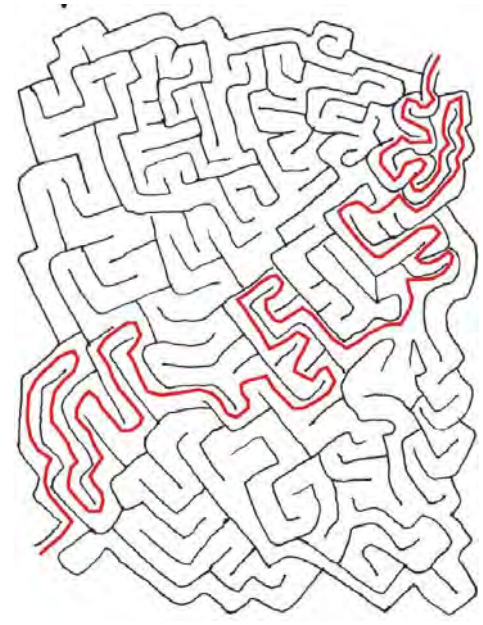
به هرکدام از بچه ها کاغذی دهید که شبیه به تصویر روبرو باشد و به 5 قسمت تقسیم شده باشد. این قسمت ها را بریده و هر روز که در مورد قدرت و حضور خداوند سخن می گوئید، آیه ای از کتاب مقدس و غیره. 10:27 و مارک 1:23 را بر روی آن بنویسید، به عنوان مثال مزمور

زمانبندی درس 8

را تصاحب کردند؟ الف. به طور دقیق نمی دانیم اما تصور می شود در سال 1142 قبل از میلاد بوده باشد. Ark در چه سالی فلسطینی ها

پاسخ پازل شماره

ن	خ	د	ا	و	ن	د	ت	ق	س	گ	ت	ج	
گ	ن	ف	ر	م	ا	ن	ر	و	ا	ی	ی	ط	
ر	د	و	ج	گ	ه	س	د	ع	ب	ا	ص	و	
ا	ر	پ	ر	ق	و	ط	ق	ر	و	م	و	ت	
ن	ک	ع	ت	ص	ا	پ	-	ی	-	ت	-	ر	ق
ی	ن	م	ی	ا	گ	س	م	ا	ن	ا	د	ا	
ت	ی	ا	ج	ع	ب	ه	ا	و	ب	گ	ن	د	
ر	و	س	ل	ص	ق	و	م	ص	ج	س	م	ص	
گ	ر	-	ق	-	ت	ع	ت	پ	ر	ط	ر	ج	
ط	ی	ف	ل	ی	س	ط	ی	ن	ی	ه	ا	ق	
و	پ	س	ب	د	خ	ر	ی	د	ا	م	ک	ت	





سوالات و پاسخ های شماره یک

(برای دانش آموزان بزرگتر)

- چگونه یک پروردگار بسیار قدرتمند و مهربان می تواند دوست من باشد؟ (خداوند جوانب مختلفی دارد. ما نیاز داریم که از او واهمه داشته باشیم، اما خوب است که بدانیم او ما را بسیار دوست دارد. کتاب مقدس می گوید خداوند حتی می داند چند تار مو بر روی سر ما قرار دارد؛ او حتی از کوچکترین جزئیات ما باخبر است.)
- چرا ما فکر می کنیم که خداوند از ما بسیار دور است؟ (از همان آغاز پیدایش، ایمان بسیار برای خداوند مهم بوده است. خداوند از ما می خواهد حتی با وجود اینکه او را نمی بینیم به او ایمان داشته باشیم. شاید این کار بخشی از تصمیم اوست تا وجه تمایزی بین ما و روبات ها ایجاد کند و این تنها ما انسان ها خواهیم بود که بدون آنکه به خودمان فکر کنیم کار درست را انجام می دهیم. اگر بتوانیم خداوند را ببینیم و بفهمیم که او کیست، همگی در برابر او زانو خواهیم زد. گاهی اوقات اینگونه به نظر می رسد که نمی توانیم خدا را ببینیم و به نظر می رسد که او از ما بسیار دور است، اما خداوند می تواند قلب ما را ببیند و از ایمان ما باخبر است.)
- آیا واقعا این جهان به پایان خود خواهد رسید؟ (در مورد این موضوع با دانش آموزان خود صحبت کنید و در نهایت نتیجه بگیرید که بله این جهان به پایان خواهد رسید. اگر حقیقتا به کتاب مقدس ایمان داشته باشیم، باید بدانیم که پایانی برای این جهان قطعاً وجود دارد.)



بازی شماره 8

سیب زمینی های داغ

همه دانش آموز یک حلقه تشکیل می دهند. یک موسیقی پخش می شود، بچه ها شی ای را بین خود دست به دست می کنند. وقتی موزیک قطع شود، دانش آموزی که شی را در دست دارد باید در خصوص یکی از کارهایی که خداوند در زندگی اش انجام داده است، صحبت کند. (به عنوان مثال، وقتی که خداوند از او در برابر بچه ای که آزارش می داد، محافظت کرد، و یا وقتی که خداوند برایش غذا، پول و غیره فراهم کرده است.)

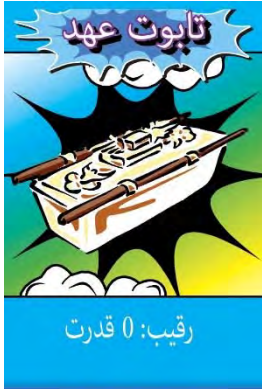




حضور شماره

کارت های امروز را به بچه هایی که در کلاس حضور داشته اند، بدهید. از آن ها تقدیر کنید و جهت حضور در کلاس هفته بعد و دریافت کارت حضور بعدی، آن ها را تشویق کنید، زیرا با این کارت ها می توانند بازی قهرمانان را انجام دهند! عنوان کارت امروز عبارت است از:

کشتی عهد



تکالیف شماره

تکالیف شما برای این هفته، پیدا کردن چند جعبه چوب کبریت خالی یا دیگر جعبه های کوچک است. می توانید آن ها را تزئین کنید. آیاتی از کتاب مقدس را بر روی تکه ای کاغذ بنویسید، آن ها را در داخل جعبه کوچکی قرار دهید و آن را داخل جیب خود بگذارید. هر وقت به مشکلی خوردید، از آیاتی که در جیب خود گذاشته اید استفاده کرده و آن ها را بخوانید. کلام خداوند به شما کمک خواهد کرد و آسایش در زندگی را برایتان فراهم می کند. جعبه کوچک را جلسه بعد به کلاس بیاورید و به معلم خود نشان دهید بخوانید

روز اول: 1 سام 4:8-11،17-22

روز دوم: 1 سام 9:1-9

روز سوم: 1 سام 9:25-10:2

روز چهارم: 1 سام 10:9-11،17-25

روز پنجم: 1 سام 10:9-11،17-25



اراده خداوند

داستان کتاب مقدس: پادشاه شائول

پادشاه شائول : اول سموئیل 8:4-21, 9:10-15, 10:1, 13:5-14, 15:31

داستان نیاز

تو خدای من هستی، مرا تعلیم بده تا اراده تو را انجام دهم. روح پاکت مرا به راه راست هدایت فرماید.

مزامیر 10:143



درس نیاز شماره 9

می دانست که آن Kip احساس بدی داشت زیرا پدرش به او اجازه نمی داد بیرون برود و بازی کردن با بچه های همسایه را ممنوع کرده بود. Kip با یک کشیش صحبت کرد و به او گفت که دیگر نمی خواهد به حرف پدرش گوش دهد، زیرا او آدم خوبی Kip بچه ها رفتار خوبی ندارند. یک روز در پاسخ گفت: «زیرا او به من اجازه نمی دهد تا به بیرون بروم و بازی کنم و من را تنبیه Kip نیست. کشیش به او گفت: « چرا این حرفو می زنی؟» می کند.»



درس اصلی شماره 9

هفته پیش یاد گرفتیم که خداوند قدرت مطلق است و برای کارهایی که می خواهد انجام دهد، برنامه های مشخصی دارد. امروز می خواهیم در موردی مردی به نام ساموئل بیاموزیم و ببینیم که چه اتفاقی می افتد اگر کسی نخواهد به وصیت خداوند گوش دهد و از او نافرمانی کند. در آن روزها، اسرائیل پادشاهی نداشت و ساموئل پیشرو مردم اسرائیل بود. اسرائیلی ها نزد ساموئل آمدند و از او خواستند مانند همه کشورهای دیگر، برای آن ها نیز پادشاهی تعیین کند. ما معمولاً به آسانی نگاهی به اطراف خود می کنیم و دقت می کنیم ببینیم که همسایه هایمان چه چیزهایی دارند. وقتی مقایسه می کنیم، نسبت به آن چه که خداوند به ما داده است، احساس نارضایتی می کنیم. اسرائیلی ها به خداوند اصرار کردند تا به آن ها پادشاهی عطا کند. خداوند گفت که اگر اینکارو کند و زمانی آن ها دیگر پادشاه خود را دوست نداشته باشند، راه بازگشتی وجود ندارد. خداوند ما را دوست دارد و برای ما بهترین ها را می خواهد، اما گاهی اوقات ما اصرار داریم که خداوند چیز دیگری را برایمان بخواهد. خداوند از ساموئل خواست تا مردی به سائول را به عنوان پادشاه انتخاب کند. اما با گذشت زمان، سائول شروع به نافرمانی از دستور خداوند کرد. ناسپاسی می تواند عواقب بدی داشته باشد، مانند داستان Kip که امروز در مورد آن خواندیم و باید مراقب باشیم! مسیح می گفت باید دائماً مراقب باشیم و نماز بخوانیم تا دچار ناسپاسی نشویم. (متی 26:14) در یک جنگ، سائول منتظر ساموئل بود تا بیاید و قربانی که برای خدا در نظر گرفته بودند را بیاورد، تنها افراد ویژه مانند ساموئل، اجازه انجام چنین کاری را داشتند. آن ها تقریباً یک هفته منتظر ماندند تا اینکه صبرشان به سر رسید. سائول می رسید که مبادا سپاهش را از دست دهد - او فکر می کرد که اهمیت انسان ها در جنگ، بیشتر از خداوند است. او از فرمان خداوند سرپیچی کرد و یک قربانی ارائه کرد. ساموئل به او گفت که خداوند در حال حاضر به فکر جانشین دیگری به عنوان پادشاه قوم بنی اسرائیل است. اگر از انجام دستورات خداوند دست بکشید، ممکن است از رسیدن به چیزهای هیجان انگیزی که خداوند برایتان در نظر گرفته است، جا بمانید. به خاطر کاری که مسیح با به صلیب کشیدن خود انجام داد، ما حالا خدایی داریم که در تمام لحظات کنار ماست. به جای نافرمانی، از خداوند درخواست کمک کنید. بعدها، سائول از فرمان خداوند به منظور نابود کردن Amalekit ها استفاده کرد و به قربانی کردن گوسفندها و گاوها ادامه داد. او می گفت که اینها قربانیان خداوند هستند، اما ساموئل به او گفت که نافرمانی کردن خیلی بهتر از گناه قربانی کردن است. در زندگی خودمان نیز، راحت است که با دادن زمان، پول هدیه و غیره... خداوند را از خود راضی نگاه داریم، او از ما توقع اطاعت کردن نیز دارد. مسیح می گوید که هر کسی که از دستورات خداوند آگاه باشد، خواهر و یا برادر مسیح خواهد بود. (متی 12:50). مسیح علاوه بر این می گوید که خداوند بیشتر از آنکه در مورد پیشگویی ها، معجزات و غیره صحبت کند، در مورد نحوه گوش فرا دادن به دستوراتش سخن می گوید. (متی 23-21:7) بخاطر نافرمانی سائول، خداوند قلمرو حکمرانی او را نابود کرد! در طول زندگی سائول، میزان نافرمانی های او بیشتر و بیشتر شد تا جایی که در جنگی کشته شد. در جلسه بعدی در مورد شخص برتری صحبت خواهیم کرد که جایگزین پادشاهی سائول گردید، مردی که بسیار در انجام کارها دقیق بود.

من اطاعت از دستورات خداوند را انتخاب می کنم و هر آنچه از من بخواهد را انجام خواهم داد.

نتیجه شماره 9

صحبت کرد و به او گفت که پدرش همواره به دنبال بهترین ها برای اوست و به همین دلیل است که اطاعت کردن از او واجب است Kip کشیش با حرفهای کشیش با دقت گوش کرد و متوجه شد که Kip زیرا خداوند پدر را به عنوان جایگزین خود در خانه تان قرار داده است. آن زمان بود که حق با اوست، و اینکه پدرش تنها می خواسته که از او در برابر آدم هایی که تاثیر بدی بر روی او دارند، محافظت کند.





فعالیت شماره 9 آینه

این فعالیت روشی راه گشا برای کمک به بچه هاست. دستورالعمل:



1. کسی که مسئولیت فعالیت را بعهده می گیرد، باید بچه ها را به صورت تصادفی و جفتی انتخاب کند.
2. هر دو بچه از هر جفت، می بایست مقابل یکدیگر بایستند.
3. در وهله اول، یکی از بچه ها تلاش می کند تا همانند آینه حرکات طرف مقابل را تکرار کند، صرف نظر قسمتی از بدن که آن شخص استفاده می کند (او می تواند حرف ها، حرکات دست و پا و غیره را تقلید کند)
4. پس از آن نوبت به دانش آموز بعدی می رسد تا از پارتنر خود تقلید کند.

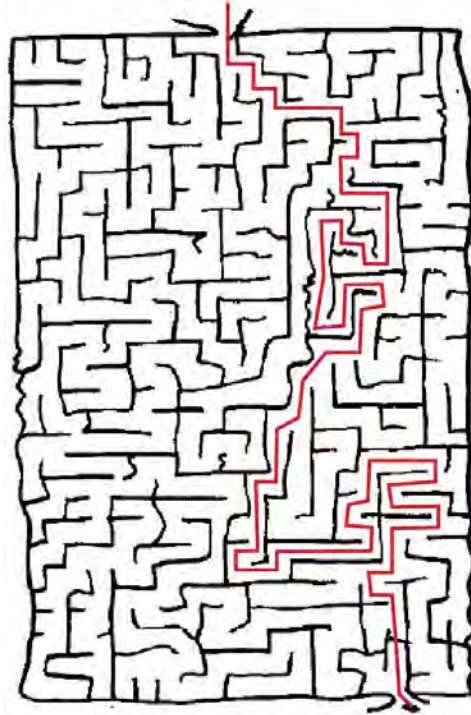
زمانبندی شماره 9

سائول در چه سالی به دنیا آمد؟ به طور دقیق نمی دانیم اما تصور می شود که در سال 1082 قبل از میلاد به دنیا آمده باشد.

سائول در چه سالی فوت کرد؟ به طور دقیق نمی دانیم اما تصور می شود که در سال 1010 قبل از میلاد فوت کرده باشد

پاسخ پازل شماره

ص	ی	س	ا	م	و	ئ	ل	و	ئ	ا	ش
ع	گ	ه	ت	ر	ف	ه	پ	ی	ق	ی	ص
ل	و	پ	ح	ا	د	س	ح	ی	س	ن	ت
م	س	ی	ح	ع	ط	ی	ص	ر	م	ا	ه
د	ف	م	ص	ق	ا	ر	ا	ئ	ب	ا	
گ	ن	ا	ه	ل	پ	ق	ع	گ	و	ر	ش
پ	د	ق	ن	ی	ط	م	ل	ت	ت	ق	د
س	ک	ت	ا	ب	م	ق	د	س	م	ی	ا
ر	پ	ی	ر	و	ی	ن	ک	ر	د	ن	پ
ق	ئ	ت	ح	ل	ن	ک	ر	ب	ص	ف	س





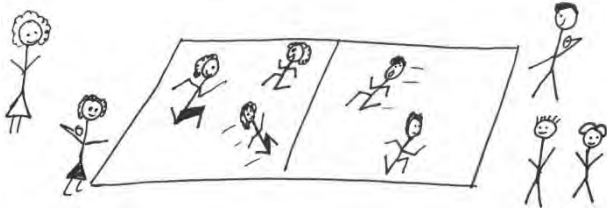
سوالات و پاسخ های شماره یک

(برای دانش آموزان بزرگتر)

- اگر خداوند کاری غیرممکن از ما بخواهد، چه کنیم؟ (بسیاری از اوقات، خداوند از ما می خواهد تا معجزه ای در زندگی مان رخ دهد. تنها کاری که باید انجام دهیم این است که از دستورات خداوند اطاعت کنیم و مرحله به مرحله پیش برویم.
- خداوند از کجا آمده است؟ (کتاب مقدس می گوید خداوند همیشه اینجاست. او قبل از اینکه جهان بوجود بیاید، وجود داشته است. خداوند همواره وجود داشته است و وجود خواهد داشت. خداوند ابدی است.)
- چرا همه مردم به خدا ایمان ندارند؟ (شیطان ما را به جهت های مختلفی می کشاند و سعی می کند تا ما را از خدا دور کند. با دانش آموزان خود درباره آدم هایی صحبت کنید که می گویند به خدا ایمان دارند اما زندگی واقعی آن ها چنین چیزی را نشان نمی دهد. اعمال ما چگونه بیانگر ایمان ما خواهد بود؟)

بازی شماره 9

فریب دادن توپ



مستطیلی را بر روی زمین با استفاده از نخ، روبان و یا یک ردیف صندلی ایجاد کنید به نحویکه به اندازه کافی بزرگ باشد که دو تا تیم بتوانند در داخل آن بازی کنند. یک نفر از هر تیم به عنوان پرتاب کننده انتخاب می شود و در نقطه مقابل مستطیل می ایستد. برای شروع بازی، پرتاب کننده توپی را به سمت بازیکنان حریف پرتاب می کند، و تلاش می کند تا یکی از آن ها را با توپ بزند، دانش آموزان داخل مستطیل نیز تلاش می کنند تا به توپ نخورند. هر دانش آموزی که به توپ بخورد بازی را ترک خواهد کرد. تیمی که بیشترین تعداد بازیکن را بتواند در زمین نگاه دارد، برنده خواهد بود.



تیمی که بیشترین تعداد بازیکن را بتواند در زمین نگاه دارد، برنده خواهد بود.

حضور شماره

کارت های امروز را به بچه هایی که در کلاس حضور داشته اند، بدهید. از آن ها تقدیر کنید و جهت حضور در کلاس هفته بعد و دریافت کارت حضور بعدی، آن ها را تشویق کنید، زیرا با این کارت ها می توانند بازی قهرمانان را انجام دهند! عنوان کارت امروز عبارت است از:

Profetas Mayores

تکالیف شماره

تکلیف این هفته شما، این است که هر لحظه که احساس وسوسه شدن می کنید، دعا کرده و از خداوند بخواهید که شما را به راه راست هدایت کند. وقتی که گناه می کنید، از خداوند طلب بخشش کرده و توبه کنید. همچنین از خدا بخواهید تا به شما در انجام کارهای درست کمک کند و هر زمانی که احساس کردید کار خوبی برای انجام دادن وجود دارد، مانند کمک کردن به کسی، آن را انجام دهید.

بخوانید

روز اول: 2 سام 1:11-13

روز دوم: 2 سام 11:14-27

روز سوم: 2 سام 12:1-10

روز چهارم: 2 سام 12:11-19

روز پنجم: 2 سام 12:20-25





خداوند ما را تادیب می کند

داستان کتاب مقدس: پادشاه داوود

5:1-5, 11:1-15, 12:1-23 دوم سموئیل 16:1-13 اول سموئیل پادشاه داوود

داستان نیاز



خوشا به حال کسی که خدا او را تنبیه می کند، پس تو نباید از تنبیه قادر مطلق آزرده شوی.
ایوب 17:5



درس نیاز شماره 10

می داند که تصاحب شدن چیزی که متعلق به او نیست، کار نادرست و ناخوشایندی است. در مدرسه یکشنبه ها دختری بود که Peppy برای اینکه وسوسه نشود پول ها را بردارد با خود سر و کله می زد. Peppy همیشه پول هایش را روی میز جا می گذاشت. بعد از 3 هفته، او با خود فکر می کرد «هیچ کس متوجه نمی شود که من این پول ها را برداشته ام - نه، من نباید اینکارو کنم». سرانجام یک هفته، او دید که یک پسر بچه مدارنگی یکی دیگر از دانش آموزان را Peppy وسوسه شد و پول را برداشت! در کلاس بعدی مدرسه یکشنبه ها، برداشت. او بسیار عصبانی شد و فریاد زد: «هی!! تو مدارنگی دزدیدی! فکر نمی کنی کارت اشتباه است؟» با وجود اینکه پسر بچه به حرف زدن در این مورد تا پایان کلاس ادامه داد، و این موضوع را به Peppy عذرخواهی کرد و مدارنگی را به صاحبش بازگرداند، اما معلم، همه ی دخترها و پسرهای کلاس گفت و باعث شد پسر بچه احساس خیلی بدی داشته باشد.

درس اصلی شماره 10

هفته پیش یاد گرفتیم که چگونه پادشاه سائول از فرمان خداوند بارها و بارها نافرمانی کرد. امروز درباره کسی خواهیم آموخت که یک چیز بخصوصی داشته است. خداوند ساموئیل را به بیت لحم فرستاد تا پادشاه بعدی را انتخاب کند. ساموئیل تحت تاثیر برادر بزرگتر خود بود و تصور می کرد او انسان بسیار شایسته ای است. اما خداوند به او گفته بود که به ظاهر بیرونی انسان ها نگاه نکن، زیرا خداوند به قلب انسان ها نگاه می کند. خداوند کوچکترین برادر او، یعنی داوود را به عنوان پادشاه انتخاب کرد. اگر احساس کوچکی یا دیده نشدن می کنید، هرگز نگران نباشید. خداوند همیشه به دنبال انسان هایی است که خواهان او هستند. (مزمور 14:2) خداوند همیشه شما را می بیند. ما از داوود چیزهای بسیار زیادی می توانیم یاد بگیریم. او جنگجوی بسیار قدرتمندی بود و توانست پادشاه سائول را به قتل برساند و به راحتی امپراطوری را از آن خود کرد، اما به تمام دستورات خداوند احترام می گذاشت و سعی می کرد تا کار درست را انجام دهد. مسیح می گفت که هر کسی که بخواهد زندگی خود را نگاه دارد، آن را از دست می دهد اما هر کس که زندگی خود را وقف مسیحیت کند، آن را نجات داده است. (لوقا 9:24). داوود زندگی خود را با بالا رفتن از کشتی پادشاهی «از دست نداد». سال ها بعد، خداوند داوود را پادشاه اسرائیل کرد، درست همانطور که وعده داده بود. به طور مشابه، مسیح نیز از کشتی پادشاهی خود بالا نرفت، اما اجازه داد تا خداوند آن را به او عطا کند. (فیلیپیان 2:6-11) روزی که پادشاه سائول در تلاش برای کشتن داوود بود، داوود کلام جالبی بر زبان آورد: اجازه ندهید که خون من از جایی که خداوند در آنجا حضور دارد، دور شود. (1 سموئیل 26:20) در کلامی دیگر گفت: حتی اگر شما من را بکشید، برای من بودن در کنار خداوند بسیار مهمتر از زندگی است. خداوند داوود را مردی در قلب خودش نامید. (1 سموئیل 13:14، اعمال 13:22) چه چیزی با ارزش تر از این حرف خداوند در مورد انسان، می تواند باشد! هیچ انسانی کامل نیست، و خداوند از کسانی که آن ها را دوست دارد، مراقبت می کند. (عبرانیان 6:12) روزی، داوود با زنی به نام بتشبع ازدواج کرد که قبلا همسر او را به جنگ فرستاده بود و او در جنگ کشته بود. چه کار ناپسندیده ای! خداوند پیامبر ناتان را نزد او فرستاد تا او را مجازات کند. او داستانی در مورد یک مرد فقیر و بره ی گرانهباش تعریف کرد. روزی همسایه ای بره ی این مرد فقیر را گرفت و آن را خورد با وجود اینکه خودش گوسفندهای بسیاری داشت. داوود خشمگین شد، و گفت که مجازات آن مرد مرگ است. درست مانند رفتار Peppy در درسی که امروز خواندیم، وقتی که شما کسی را می بینید که کار اشتباهی کرده است و این موضوع به شدت شما را ناراحت می کند، این نشان می دهد که شما نیز در آن گناه و کار اشتباه سهمی دارید. (رومان 2:1) از خداوند بخواهید تا به شما کمک کند به قلب خود رجوع کنید. به خاطر بیاورید زمانی را که سائول با اشتباهاتش مواجه شد اما نخواست آن ها را بپذیرد و به اشتباهاتش ادامه داد. اما وقتی که داوود متوجه اشتباهش شد، پذیرفت که کار اشتباهی کرده است، اولین قدم مثبت برداشته شد. تقدیر خدا این بود که زندگی بچه ی بتشبع و داوود را از او بگیرد. داوود به خداوند التماس کرد که بگذارد این بچه زنده بماند. ما می توانیم از خداوند بخواهیم که جلوی مجازات گناهانمان را بگیرد. گاهی اوقات ممکن است او بپذیرد و گاهی اوقات نیز تقدیر همانطور که هست، پیش می رود و بزرگترین درس های زندگی را به ما و اطرافیانمان می دهد. فرزند آن ها فوت کرد، اما امید هنوز وجود داشت. خداوند با توجه به فضل و کرمش، همیشه راه را برای توبه و بازگشت از خطا باز می گذارد. داوود و بتشبع صاحب فرزند دیگری به نام سلیمان شدند. خداوند سلیمان را بسیار دوست می داشت، کسی که بعدها تبدیل به پادشاهی بزرگ و از اجداد حضرت مسیح گردید.
من تمرکز بر روی قلبم را انتخاب خواهم کرد و تقدیر الهی را خواهم پذیرفت.





نتیجه گیری شماره 10

خیلی احساس بدی بهش دست داد، او قلباً Peppy دختر بچه ای را دید که به همراه معلم به دنبال پول هایش می گردد. Peppy در انتهای کلاس، می دانست که باید در مورد کاری که انجام داده است، نزد معلمش اعتراف کند. او همچنین به خاطر آورد که چقدر در برابر همین کار که توسط آن پسرک سر زده بود، چقدر عصبانی شده بود. سرانجام، نتوانست طاقت بیاورد و نزد معلم و آن دختر رفت و اعتراف کرد که او پول ها را برداشته است و تمام پول ها را پس داد. سپس از آن پسرک نیز به خاطر کار آزاردهنده ای که با او کرده بود، عذرخواهی کرد.



فعالیت شماره 10

قلب



در این فعالیت دانش آموزان، یک بوکمارک به شکل قلب خواهند ساخت. برای این منظور می توانید از کاغذهای ضخیم و یا کارت های رنگی استفاده کرده و آن را به رنگ قرمز درآورید. به صورت اختیاری، می توانید آن را لمینت کرده و یا با کاغذ Contac بپوشانید تا ماندگاری آن ها بیشتر شود. چند برگ بریده شده را بر روی هم قرار داده و در گوشه ی آن ها با یک پانچ، سوراخی ایجاد می کنیم. سپس یک روبان و یا نخ کلفت را از سوراخ دایره ای شکل عبور داده گره می کنیم. این بوکمارک به شما خاطر نشان می کند که تقدیر خداوند برای کسانی است که آن ها را دوست می دارد.

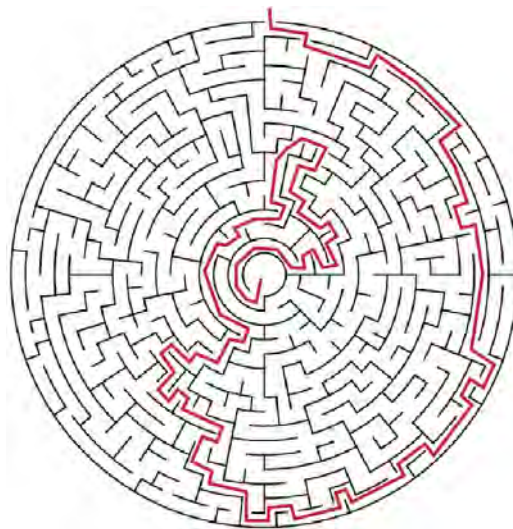
«خداوند من را مورد تقدیر خود قرار می دهد، زیرا من را دوست می دارد.»

زمانبندی شماره 10

داوود در چه سالی به دنیا آمد؟ به طور دقیق نمی دانیم، اما تصور می شود تقریباً سال 1040 قبل از میلاد به دنیا آمده است. داوود در چه سالی فوت شد؟ الف. به طور دقیق نمی دانیم اما تصور می شود تقریباً سال 970 قبل از میلاد فوت شد.

پاسخ پازل شماره

ت	گ	ش	ا	ع	ت	ر	ا	ف	ک	ر	د	ن
د	م	ب	ف	ق	گ	ع	ه	د	و	و	ا	د
ه	ع	ح	ل	ظ	پ	ا	د	ش	ا	ه	ج	ر
ی	ط	ه	ر	ر	ه	ا	ظ	ف	ط	ع	ر	ک
ن	گ	ر	ف	ج	و	ب	ن	ل	ن	ا	ه	ا
ک	ا	ش	د	ن	ح	ا	ق	ج	ا	ج	ظ	ب
ر	ت	ع	ا	ط	ا	خ	ر	ظ	ی	ب	ش	و
د	ش	ه	ر	ب	ی	ت	ا	ل	ح	ل	م	ت
ن	ت	چ	د	ق	ل	ن	ا	ف	ش	ر	ع	ط
ش	د	ب	ا	ط	و	ا	ه	ن	گ	ب	ل	ق





سوالات و پاسخ های شماره یک

(برای دانش آموزان بزرگتر)

- آیا خداوند همه خانواده ها، شهرها و کشورها را تنبیه (تادیب) می کند؟ آیا مثالی برای آن وجود دارد؟ (بله، کتاب مقدس بارها به ما نشان داده است که خداوند مردم کل یک شهر را تادیب کرده است. به عنوان مثال، خداوند شهر سدوم و گمراه را تنبیه کرد. مثال دیگر به زمانی برمی گردد که مردم اسرائیل بتی را در صحرای سینا درست کردند و خداوند تصمیم داشت تا همه آن ها را نابود کند، اما موسی درخواست بخشش کرد و خداوند هم پذیرفت. موسی بت را آتش زد و خاک طلای آن را درون آب ریخت و مردم برای اینکه تنبیه شوند از آن آب نوشیدند! (خروج 32) زمانی آن ها 3 هزار نفر را کشتند و در زمانی دیگر خداوند بیماری طاعون را برای آن ها فرستاد. مثالی در این زمینه از پادشاه شائول وجود دارد که خداوند برای اینکه او را تنبیه کند قلمرو پادشاهی را از او و پسرش گرفت. این روز ها نیز می توانیم در مورد عذاب الهی در کشورها، شهرها و خانواده ها صحبت کنیم. اما مراقب باشید که به اشتباه تصور نکنید که هر اتفاق بد، عذاب الهی است. مسیح مثال هایی از اتفاقات بد می زند که به خاطر وجود خانواده ای بد، شهری بد و یا کشوری نادرست بوقوع نپیوسته است... و خداوند معمولاً به ما کمک می کند تا از این شرایط خود را نجات دهیم.
- آخرین تنبیهی که شدید، چه زمانی بوده است و چرا؟ (در مورد تجربه تان صحبت کنید)

اگر پلیس یا سیاست مدارها برای برقراری نظم، گماشته شده اند، پس چرا برخی از افرادی که مرتکب خطا شده اند، آزاد آزاد می چرخند و حتی از آدم های خوب نیز اخاذی می کنند؟ (ایده این است که در این لحظه در مورد بی عدالتی ای که در جهان وجود دارد، با دانش آموزان صحبت کنید و اینکه تنها این خداست که می تواند در این جهان ناعادلانه، صلح و نظم را برقرار کنید. جزئیات این بحث و گفتگو به منطقه جغرافیایی شما بستگی دارد.)

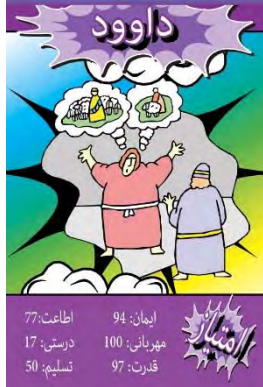
بازی شماره 10

بازی صحیح و غلط



یکی از بچه در مقابل گروه می ایستد و یک جمله همانند این می گوید: «یونس کشتی را ساخت.» و بچه پاسخ می دهند که آیا این جمله صحیح است یا غلط. اگر فکر می کنند که صحیح است، انگشت شست خود را بالا می برند، و اگر فکر می کنند نادرست است، آن را به سمت پایین نشان می دهند. معلم پاسخ درست را می گوید، آن هایی که اشتباه تشخیص داده اند، از جای خود بلند می شوند و دور بچه های نشسته، یک دور می دوند و سعی می کنند تا برای نشستن جایی پیدا کنند. کسی که نتواند جایی پیدا کند، نفر بعدی خواهد بود که باید مقابل گروه اجرا نماید.





حضور شماره

کارت های امروز را به بچه هایی که در کلاس حضور داشته اند، بدهید. از آن ها تقدیر کنید و جهت حضور در کلاس هفته بعد و دریافت کارت حضور بعدی، آن ها را تشویق کنید، زیرا با این کارت ها می توانند بازی قهرمانان را انجام دهند! عنوان کارت امروز عبارت است از:

ناتان

تکالیف شماره

این جملات را به خاطر بسپارید: «خداوند من را تادیب می کند زیرا من را دوست دارد.» وقتی که والدین یا معلم شما به خاطر انجام کاری نادرست، تنبیه تان می کنند، این جمله را برای خود تکرار کنید: « خداوند من را تادیب می کند زیرا من را دوست دارد.» اگر خود را در حال فکر کردن یافتید، « اما من هرگز اشتباه نمی کنم! قصد انجام کار نادرست هم ندارم.» نگاهی دیگر به کارهایی که انجام داده اید ببیند و به قصد و نیت خود فکر کنید. عواقب کار خود را بدون هیچ حس حق به جانبی بپذیرید.

بخوانید

- روز اول: 1 پادشاهان 5:1-5
- روز دوم: 1 پادشاهان 6:1-14,2
- روز سوم: 1 پادشاهان 7:48-51
- روز چهارم: 1 پادشاهان 8:22-26
- روز پنجم: 1 پادشاهان 8:27-30



معبد خداوند

داستان کتاب مقدس: پادشاه سلیمان

پادشاه سلیمان: اول پادشاهان 1:2-4, 3:4-15, 4:29-34, 6:1, 6:37-38, 8:1-30

داستان نیاز

متوجه شد که یکی از دوستانش سیگاری شده است و دوستش از او هم درخواست کرد تا سیگار بکشد... Buzz



درس نیاز شماره 11

متوجه شد که یکی از دوستانش سیگاری شده است و دوستش از او هم درخواست کرد تا سیگار بکشد... Buzz



درس اصلی شماره 11

پادشاه داوود از هفته پیش می خواست تا با ساختن معبدی با شکوه، خداوند را از خود خرسند نماید، اما از آنجایی که او یک جنگجو بود، نتوانست این معبد را بسازد. به جای آن، خداوند وعده داد که وارث او این کار را انجام خواهد داد و وعده ی تو را دوبار محقق خواهد کرد. پسر داوود، سلیمان، پادشاه بعدی قوم بنی اسرائیل گردید. روزی او هزاران چیز مختلف برای قربانی کردن در پیشگاه خداوند، پیشنهاد داد. در آیه ی جیمز 8:4 آمده است که وقتی ما نزدیک خداوند می شویم، او نیز به ما نزدیک می شود. آن شب، خداوند به سلیمان گفت که از او هر چه دوست دارد، طلب کند. آیا سلیمان از خداوند در خواست خودرویی قرمز رنگ و یا لباسی زیبا کرد؟ پاسخ منفی است، سلیمان در جواب درخواست خداوند، از او خرد و دانش بیشتر کرد تا بتواند از مردم مراقبت کند. وای! خدا بسیار متعجب شد و او را داناترین مرد آن دوره کرد و به او ثروت و پیروزی های زیادی عطا کرد. سلیمان، معبد سنگی بسیار بزرگی ساخت و داخل آن را حکاکی های بسیار زیبایی نمود. یک اتاق طلایی را تصور کنید که در آن شمعی بزرگتر از قد انسان، همه جا را روشن کرده است. سلیمان 14 روز به مناسبت این معبد به همراه مردم اسرائیل جشن و پایکوبی کرد. جمعیتی عظیم به سمت معبد آمدند، آن ها 22 هزار گاو و 120 هزار گوسفند و بز را قربانی کردند. سپس سلیمان نمازی برپا کرد، نه برای خودش، بلکه برای بندگان خدا. آن معبد در حال حاضر از بین رفته است، و معبد دوم نیز همینطور، اما خداوند وعده ی خود را در معبدی بهتر به حقیقت تبدیل کرد. زمانی بر روی زمین، مسیح گفت که آن معبد را از بین می برم و آن را در 3 روز مجدداً ساخت. (یوحنا 2:19) او درباره ی جسمی فیزیکی سخن نمی گفت بلکه از معبدی روحانی سخن می گفت که در طول مرگ و قیام او شکل گرفت و ساخته شد. آیا امروزه هیچ معبد جدید را مشاهده کرده اید؟ بله، اما این معابد، کلیساهایی نیستند که به آن جا مراجعه می کنید. همه شماها معبد خداوند هستید! (افسسیان 2:19-22) ما مسیحیان همانند آجرهای این ساختمان می باشیم. روح خداوند در درون ما زندگی می کند و همه ما با هم معبدی روحانی هستیم که خداوند همیشه در آن ساکن است.

خداوند هنوز هم در حال ساختن این معبد است و آن را زیباتر نیز کرده است و از ما نیز می خواهد که به او کمک کنیم. وقتی که به همکلاسی خود درباره مسیح یا کمک کردن در کلیسا می گوئید، شما هم سهمی در ساختن این معبد روحانی خواهید داشت. ساختن معبد خداوند نیاز به خرد و دانشی کافی دارد. خرد سلیمان شهره ی عام و خاص بود به نحویکه ملکه سبا از دور دست ها آمد تا سخنان سلیمان را بشنود، اما دانش و خرد مسیح، از سلیمان نیز بالاتر بود. (متی 12:42) مسیح، منبع عقل و دانش است و هر وقت اراده کنید، به شما نیز از عقل و خرد خود، خواهد داد. (جیمز 1:5) هنگامی که کسی را به گناه شخص دیگری، مورد سرزنش و نکوهش قرار می دهید، گویا جسمی زشت و ضعیف را در درون خود پرورانده اید. (1 قرنتیان 15:10-3) وقتی که یکدیگر را تشویق می کنید تا آدم مهربانی باشند، در ساختن آن معبد زیبا کمک خواهید کرد. مسیح به ما گفت همدیگر را دوست داشته باشید، همانطور که من شما را دوست داشتم. (یوحنا 13:34) درست همانند طلا، زیبایی در روشی است که ما با یکدیگر رفتار می کنیم. مسیح گفت طلا این معبد را روحانی تر می کند.

(متی 23:17) غیرمومنان شاید مهربانی همچون این طلا داشته باشند اما تنها مومنان هستند که جزئی از معبد او خواهند بود.

من از خداوند می خواهم که به من خرد و دانشی عطا کند تا در ساختن معبد دوست داشتن دیگران، به او کمک کنم.

نتیجه شماره 11

می دانست که اینکار درستی نیست و گفت : « دوستم، اینکارو انجام نده. تو باید مراقب بدن خود باشی، زیرا سیگار کشیدن به Buzz بدنت آسیب می رساند و زندگی ات را کوتاه می کند. علاوه بر این، بدن شما مقبره روح القدس نیز می باشد. خداوند در درون ما ساکن است و شما موظف هستید از بدن خود مراقبت کنید و از دستورات خداوند نافرمانی نکنید. »





فعالیت شماره 11 پرتاب کننده ی مارشمالو



برای این فعالیت، به یک شیشه یا فنجان پلاستیکی، چند بادکنک و تعداد مارشمالو یا کاغذ توپی نیاز دارید. اولین کاری که باید بکنید این است که پایه ی فنجان ها را ببرید و سپس قسمت بریده شده ی بالایی یک بادکنک را بر روی آن قرار دهید. سر بادکنک را گره بزنید و گوشه های آن را پایین بکشید تا به درستی کل سطح را بپوشاند. قسمت بالایی فنجان کمک خواهد کرد تا بادکنک در جای درست خود قرار بگیرد. سپس به سادگی مارشمالوها و یا کاغذهای توپی را در داخل فنجان بریزید. قسمت بادکنکی فنجان را کشیده و رها کنید تا مارشمالوها از داخل فنجان به بیرون پرتاب شوند. مسابقه ای بین خود برگزار کنید تا ببینید چه کسی می تواند دورترین مارشمالو را پرتاب کند.

زمانبندی شماره 11

سلیمان در چه سالی بدنیا آمد؟ به طور دقیق نمی دانیم، اما تصور می شود که در سال 989 قبل از میلاد به دنیا آمد.
سلیمان در چه سالی فوت کرد؟ به طور دقیق نمی دانم، اما تصور می شود در سال 931 قبل از میلاد فوت کرد.

پاسخ پازل شماره

ن	ه	ل	ظ	د	و	و	ا	د	پ	ف	ق
ک	ا	ع	ت	ر	ا	ف	ک	ر	د	ن	خ
ن	ش	ف	خ	گ	ر	ه	ا	ظ	ب	ک	ل
ا	د	ی	ن	د	ر	ک	ن	ی	ه	د	ت
ه	ا	ه	ا	ظ	ب	ق	ه	ن	ف	م	و
ل	پ	و	ن	ق	پ	ع	ک	ت	ح	ظ	ب
ق	ا	ظ	ت	ع	ا	ط	ا	ر	ل	ق	ه
ک	ف	ش	خ	ه	د	ف	و	خ	پ	چ	ک
پ	گ	ل	ا	ن	ج	ی	ل	ا	ب	ع	ر
ش	ه	ر	پ	ی	ت	ا	ل	ح	ل	م	د
ع	ن	خ	ن	د	پ	ظ	ن	ا	ت	ا	ن





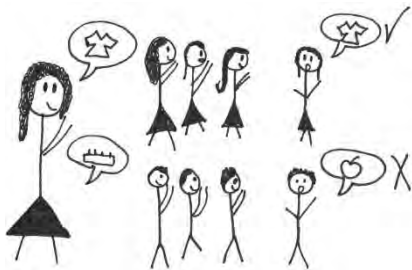
سوالات و پاسخ های شماره یک

(برای دانش آموزان بزرگتر)

- از چه روش هایی می توانیم مراقب جسم و روح خود باشیم؟ (به برخی از مراقبت های فیزیکی اشاره کنید، مانند سیگار نکشیدن، عدم استفاده از مواد مخدر، محدود کردن روابط جنسی به دوران بعد از ازدواج و نگاه نکردن به تصاویر مستهجن. علاوه براین به برخی از موارد مراقبت های قلبی نظیر بخشیدن دیگران، رفتار کردن با دیگران از روی احترام و عشق، توبه از گناهان و داشتن نگرش مثبت. یک روش کاربردی برای غلبه بر گناهان وسوسه برانگیز این است که آن را بر روی کاغذی نوشته و نزد معلم یا کشیش خود اعتراف کنیم و از آن ها درخواست کمک کنیم.
- مسیحی بودن لذت بخش است؟ (بله البته که هست! اما لذت آن چیز متفاوتی است. مثل لذت رقصیدن با یک پسر جذاب جوان و یا احساس پروانه ها نیست، بلکه متفاوت است.
- چرا والدین همیشه به ما پاسخ منفی می دهند؟ (زیرا می خواهند از شما محافظت کنند)

بازی شماره 11

تلفن شکسته

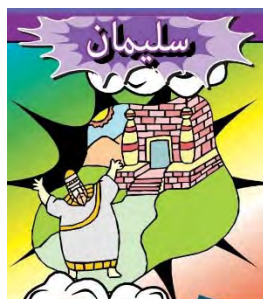


دو تیم تشکیل دهید که به صورت ردیفی در کنار یکدیگر قرار بگیرند. معلم عبارتی را به شخص اول هر تیم می گوید و هر شخص می بایست آن عبارت را به شخص بغل دستی خود انتقال دهد. تیمی که در نهایت بتواند نزدیک ترین کلمه به کلمه اصلی را بگوید، برنده است.

حضور شماره

کارت های امروز را به بچه هایی که در کلاس حضور داشته اند، بدهید. از آن ها تقدیر کنید و جهت حضور در کلاس هفته بعد و دریافت کارت حضور بعدی، آن ها را تشویق کنید، زیرا با این کارت ها می توانند بازی قهرمانان را انجام دهند! عنوان کارت امروز عبارت است از:

سلیمان



ایمان: 82	اطاعت: 72
مهربانی: 47	درستی: 20
قدرت: 55	تسلیم: 10



تکالیف شماره

تکلیف این هفته شما این است که هر روز هفته به کسی کمک کنید، مخصوصا به کسی که به کلیسایی جز کلیسایی که شما در آن هستید، رفته است. اگر می بینید کسی کار درستی انجام می دهد، او را تشویق کنید. اگر بچه ای را دیدید که به مسیح ایمان داشت اما کارهای اشتباه انجام می داد، به طریقی کار درست را به او گوشزد کنید: به او نگوئید: « تو آدم بدی هستی» بلکه بگوئید: « اینکارتو خدا دوست ندارد،





5-7 بخوانید. 5-7 بهتراست به جای انجام اینکار، کاری که می گویم را انجام دهی» و چند پیشنهاد به او ارائه دهید. پاداش: بخشی از این خطبه بر روی کوه متی بخوانید.

بخوانید

روز اول: 1 پادشاهان 6-1:17

روز دوم: 1 پادشاهان 11-7:17

روز دوم: 1 پادشاهان 16-12:17

روز سوم: پادشاهان 19-17:17

روز چهارم: پادشاهان 24-20:17



داستان کتاب مقدس: الیاس

1:17-24 اول پادشاهان :الیاس

داستان نیاز

شما قبل از هر چیز برای به دست آوردن پادشاهی خدا و انجام خواسته‌های او بکشید، آن وقت همه این چیزها نیز به شما داده خواهد شد.
متی 6:33



درس نیاز شماره 12

روزی تافی با اشتیاق صبح زود از خواب بیدار شد. آن روز او تصمیم داشت که کار خاصی انجام دهد تا مادرش بفهمد که تافی چقدر مادرش را دوست دارد. او به باغ رفت، تعدادی گل چید و جایی قرار داد که مادرش دوست داشت، سپس به آشپزخانه رفت و یک صبحانه ی بسیار خوشمزه آماده کرد. تافی به خود گفت: «این بهترین کار ممکن خواهد بود» و همه چیز را به گونه ای خاص برنامه ریزی کرد.

سرانجام، مادرش از خواب بیدار شد. تافی در اتاق ناهارخوری در حالیکه همه چیز را آماده کرده بود، منتظر آمدن مادرش بود. وقتی که مادر تافی آمد... هیچ اهمیتی به گل ها نداد و حتی صبح بخیر هم به تافی نگفت. صبحانه اش را خورد و از تافی تشکر هم نکرد.

تافی بسیار ناراحت شد و به اتاقش رفت و سر خودش فریاد کشید، او فکر می کرد مادرش اصلا او را دوست ندارد.



درس اصلی شماره 12

به قهرمانان ایمان خوش آمدید! آخرین بار در مورد معبد حضرت سلیمان، چیزهایی یاد گرفتیم. بعد از سلیمان، قلمرو حکومتی بین اسرائیلی ها و یهودی ها تقسیم شد. بعد از آن، پادشاه احب به همراه همسر بدجنس اش، قوم بنی اسرائیل را تحت فشارهای مختلف قرار دادند. به دلیل بی کفایتی آن هاف خداوند پیامبری را به نام الیا فرستاد تا به قوم بنی اسرائیل بگوید که قرار است سال ها بارانی نیاید. در طول آن مدت، الیا در یک دره مخفی شد. خداوند کارهای ما را می بیند، حتی اگر هیچ کس دیگری متوجه آن ها نشود. درست مانند درسی که امروز در مورد تافی خواندیم. هیچ کاری که برای دیگران انجام می دهید، در دیدگاه خداوند نادیده گرفته نمی شود. و خداوند نیازهای ما را برآورده خواهد ساخت و برای اینکار به هیچ پول و سایر روش های متداول نیازی نخواهد داشت. خداوند از یک نهر کوچک، برای الیا آب فرستاد و کلاغی را نزد او فرستاد تا برایش روزی دو بار نان و مقداری گوشت ببرد. تصور کنید پرنده ای در حال پرواز به سوی شما بیاید و به شما مقداری نان دهد! مسیح نگران هیچ چیز نباشید زیرا خداوند حتی غذایان را از طریق پرنده ها (متی 6:26) فراهم می سازد و در این داستان، خداوند از پرنده ها برای رساندن غذا به الیا، استفاده کرد. وقتی که نهر کوچک خشکید، خداوند الیا را به مکان عجیب دیگری فرستاد، او الیا را نزد مردی ثروتمند نفرستاد، بلکه نزد یک زن بیوه ی خارجی فرستاد. وقتی که الیا از زن درخواست نان کرد، زن گفت که تنها کمی آرد و روغن برایش باقی مانده است و ممکن است خانواده اش به زودی از گرسنگی بمیرند. گاهی اوقات خداوند تا لحظه ی آخر صبر می کند، تا روزی که نزدیک است صبرمان تمام شود، زیرا او می داند که اینکار باعث افزایش ایمان و اعتماد شما به خداوند می شود. الیا به زن گفت که نگران چیزی نباشد و در هر صورت آن نان را به او دهد. به همین شیوه، مسیح می گوید ابتدا شما به دنبال خداوند بگردید، سپس او نیازهای شما را برآورده خواهد کرد. (متی 6:33) آرد و روغن آن زن به طرز معجزه آسایی هرگز تمام نشد و آن ها همیشه تکه نانی برای خوردن داشتند. اگر پرسید « این هفته قرار است چگونه غذایی پیدا کنم و بخورم؟ از کجا می توانم لباس هایی که برای مدرسه نیاز دارم، را تهیه کنم؟ » به شما می گویم که منتظر باشید و ببینید که خداوند چگونه برایتان مهیا می سازد. سپس به یکی از دوستانتان در مورد آن بگویید و برای اینکه همیشه در خاطرتان بماند، در مورد آن جایی بنویسید. آیا تا بحال اتفاق افتاده که خداوند چیزی را برایتان مهیا سازد؟ (به صورت خلاصه داستان شخصی خود را تعریف کنید).

خداوند تنها غذا و لباس برای ما تهیه نمی کند، بلکه او به ما زندگی هم می بخشد. روزی پسر آن زن بیوه به شدت مریض شد و مرد، الیا پسرک را با خود برد و سه بار برایش نماز خواند. شما هم می توانید برای اعضای خانواده، دوستان و ... نماز بخوانید، نه فقط یکبار بلکه حتی چندین بار. بعد از اینکه الیا سه بار برای پسرک نماز خواند، خداوند زندگی را به او بازگرداند! مسیح مُرد اما دوباره زنده شد و تا ابد زنده خواهد ماند. با وجود اینکه جسم فیزیکی ما می میرد، اما روح ما دارای زندگی ابدی خواهد بود. مسیح گفت که دشمن و شیطان می آید که دزدی کند، بکشد و نابود کند اما مسیح آمد تا زندگی ابدی دهد. (یوحنا 10:10) از طریق مسیح، می توانید زندگی ابدی در بهشت و در کنار خداوند را تجربه کنید.



من معتقدم خداوند من را می بیند. او من را دوست دارد و هر آنچه که نیاز داشته باشم را برایم فراهم می کند.



نتایج شماره 12

روز بعد در مدرسه یکشنبه ها، آن ها یاد گرفتند که خداوند بر همه چیز نظارت دارد. معلم در کلاس به هر دانش آموز یک گل داد. تافی متوجه شد که خداوند حرف او را در مورد کاری که برای مادرش انجام داده است، شنیده است، «کارت خیلی خوب بود».

فعالیت شماره

صبح بخیر سرورم



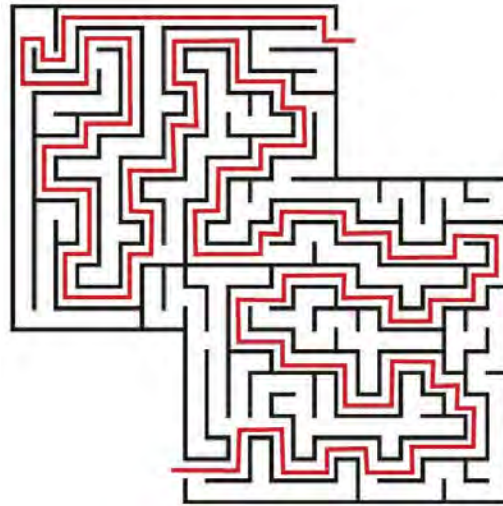
بر روی یک تکه کاغذ، شما یا یکی از بچه ها بنویسد: «صبح بخیر، سرورم». سپس آن را با ماژیک، مداد شمعی و غیره تزئین کنید. بچه های می بایست کاغذ را از سقف اتاق خواب و یا دیوار روبروی تختشان آویزان کنند. هدف این است که این جمله را هر روز صبح وقتی از خواب بیدار می شوند، با صدای بلند به خداوند بگویند، «صبح بخیر سرورم». اینکار به آن ها یادآوری می کند که خداوند همیشه با آن هاست.

جدول زمانبندی شماره 12

دیدار الیا و زن بیوه در چه سالی اتفاق افتاد؟ الف. تقریباً در سال 868 قبل از میلاد.

پاسخ پازل شماره

م	د	ع	ق	ل	و	خ	ر	د	خ	پ
ن	ق	و	س	ی	ن	ا	ب	ر	ق	د
م	س	ی	ح	ی	ل	ع	س	خ	و	س
ا	ع	ل	س	ط	ز	م	ه	و	ع	ا
ز	ق	پ	ا	ه	س	ط	ا	ا	د	ت
گ	م	ز	خ	و	ل	د	ش	س	ه	خ
ز	ع	ر	ت	ن	ی	ه	د	ت	ه	م
ا	ب	و	ن	ا	م	ر	ا	ح	ا	ق
ر	ر	ط	ه	س	ا	ل	پ	ز	و	خ
ث	ر	و	ت	م	ن	د	ا	ن	د	ر





سوالات و پاسخ های شماره یک

(برای دانش آموزان بزرگتر)

- آیا وقتی هست که خداوند برای شما در نظر گرفته باشد؟ نظر خود را با دیگران به اشتراک بگذارید (به دانش آموزان زمان مشخصی را اختصاص دهید)
- چرا خداوند من را خلق کرده است؟ (در مورد عشق خداوند، روش های مختلف خدمت رسانی به وی و اینکه چگونه خداوند در مورد ما همه چیز را می داند، حتی از اشتباهات ما آگاه است، صحبت کنید.
- احساسی دارید؟ در چنین شرایطی، آیا اشتباه خود را پذیرفته اید؟ (در مورد موقعیت های مختلف و سختی های پذیرفتن اشتباه صحبت کنید. اجازه ندهید که دانش آموزان ادعا کنند که هرگز کار اشتباهی نکرده اند، زیرا این حرف دروغی بیش نیست).

بازی شماره 12

به بادکنک ضربه بزن!



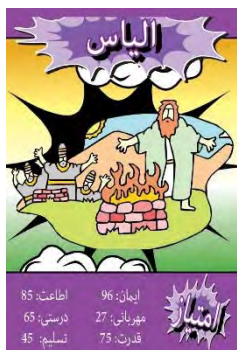
1. برای شروع، بادکنکی بزرگ که به طور کامل باد نشده است را به مچ پای هر یک از دانش آموزان ببندید.
2. موسیقی را پخش کنید و از دانش آموزان بخواهید که در وسط اتاق قرار بگیرند.
3. هر دانش آموزان می بایست تلاش کند تا پایش را بر روی بادکنک دانش آموز دیگری قرار دهد و آن را بترکاند.
4. هر دانش آموزی که بادکنکش بترکد، از بازی بیرون می رود.

هدف: بادکنک افراد دیگر را بترکانید بدون اینکه کسی بتواند بادکنک شما را بترکاند.

حضور شماره

کارت های امروز را به بچه هایی که در کلاس حضور داشته اند، بدهید. از آن ها تقدیر کنید و جهت حضور در کلاس هفته بعد و دریافت کارت حضور بعدی، آن ها را تشویق کنید، زیرا با این کارت ها می توانند بازی قهرمانان را انجام دهند! عنوان کارت امروز عبارت است از:

Elías



تکالیف شماره

جمله ی « صبح بخیر، پروردگرم » را بر روی تکه کاغذی بنویسید و آن را نزدیک تخت خواب خود قرار دهید به نحویکه وقتی از خواب بیدار شدید آن را ببینید. این امر به شما کمک می کند تا به خاطر بیاورید که خداوند همیشه ما را نگاه می کند. اگر در این هفته به کمبودی خوردید از خداوند آن چیز را درخواست کنید. دقت کنید که چگونه خداوند آن را تهیه می کند و در مورد آن در جلسه بعد با معلم خود صحبت کنید.



بخوانید



- روز اول: 1 پادشاهان 16-21
- روز دوم: 1 پادشاهان 18-22
- روز سوم: 1 پادشاهان 18-27
- روز چهارم: 1 پادشاهان 18-36
- روز پنجم: 1 پادشاهان 18-40





خداوند یگناست

داستان کتاب مقدس: الیاس و پیامبران
46-16:18 : اول پادشاهان: الیاس و پیامبران

داستان نیاز



ای خداوند، تو خدای من هستی. تو را جلال می‌دهم و حمد و ستایش می‌کنم. تو کارهای شگفت‌انگیزی کرده‌ای. تو با وفاداری آنچه را از ابتدا می‌خواستی، با اطمینان به انجام رسانیدی.
اشعیا 1:25



درس نیاز شماره 13

به او گفت که کسی را می‌شناسد که می‌تواند Kip متوجه شد که معلم مدرسه از حال مساعدی برخوردار نیست. Kip روزی در یک مدرسه دولتی، حال او را خوب کند. معلم به او گفت: «نگران نباش، من نزد خانگی رفتم که طی انجام مراسمی مذهبی، برایم دارویی تجویز کرد و الان حام بهتر را قبول نکرد. Kip است». معلم درخواست کمک

درس اصلی شماره 13

جلسه پیش در مورد حضرت ایلیا خواندیم. در آن زمان، اسرائیلی‌ها به طور همزمان به پرستش چندین خدا می‌پرداختند. اما خداوند از ما می‌خواهد که جز او چیز دیگری را نپرستیم، زیرا خدای دیگری جز او نیست. مسیح گفت ما نمی‌توانیم همزمان به دو پروردگار خدمت کنیم، یا یکی را دوست خواهیم داشت و از دیگری متنفر خواهیم شد و یا به یکی تعلق خاطر پیدا خواهیم کرد و دیگری را نادیده خواهیم گرفت. (متی 6:24) حضرت ایلیا، همه اسرائیلی‌ها و مبلغان خدایان دروغین را در کوه Carmel به دور هم جمع کرد. او به بنی اسرائیل گفت که تنها یک خدا را انتخاب کنند و تنها به بندگی و راز و نیاز با او بپردازند. او به مبلغان Baal نیز گفت که محرابی ایجاد کنند و از خدایشان درخواست کنند، ایلیا نیز همین کارها را برای خدای حقیقی انجام می‌دهد. هر خدایی که پاسخ دعاهای ما را با آتش دهد، او خدای حقیقی خواهد بود. ما چنین مثالی را پیش از این در داستان Kip نیز خواندیم. مبلغان Baal کاری که ایلیا از آن‌ها خواسته بود، انجام دادند، اما هیچ پاسخی از سوی خدایان دریافت نکردند. بعد از چند لحظه، ایلیا به آن‌ها گفت شاید خدایان خواب است و یا در سفر است و مشغول کاری است. ما هرگز نیاز نیست نگران باشیم، زیرا خدای حقیقی و یکتای ما هرگز نمی‌خوابد، هرگز به سفر نمی‌رود زیرا او در آن واحد در همه جا حضور دارد. او بی‌نیاهت باهوش و خردمند است و می‌تواند همه چیز را به صورت همزمان مدیریت کند. خدایان Baal هیچ پاسخی ندادند و هیچ آتشی در پاسخ به درخواست مبلغان، بر نیافرودختند. بعد از ظهر، ایلیا درخواست خود را از خداوند کرد و به راز و نیاز با خداوند پرداخت. او محرابی ایجاد کرد و آن را پر از آب کرد تا آتش گرفتن آن، امری بس دشوار و سخت باشد. مهم نیست که چقدر سخت باشد، خدای ما هر کاری را می‌تواند انجام دهد. ایلیا نماز خواند، و خداوند بلافاصله پاسخ او را اجابت کرد و آتشی از بهشت به زمین فرستاد. آتش کل صخره‌ها، آب و حتی خاک را دربرگرفت. مسیح گفته است که او تنها راه رسیدن به خداوند است، زیرا او معنای زندگی حقیقی است. (یوحنا 6:14) هیچ راهی به بهشت وجود ندارد مگر از طریق عیسی مسیح زیرا هیچ خدایی جز خدای یکتا وجود ندارد. عبادت کردن خدای یکتا، به معنای نپیروی کردن از هر دین و مذهب دیگر و پرستیدن خدایان دروغین است. اما همیشه چیزهای وسوسه‌انگیز برای انسان وجود دارد. درست بعد از اینکه مسیح گفت ما نمی‌توانیم همزمان بندگی دو خدا را کنیم، او درباره چیز دیگری نیز سخن گفت که انسان‌ها حاضرند برای آن بندگی کنند. مسیح گفت ما نمی‌توانیم هم بندگی خداوند یکتا را کنیم و هم بنده‌ی پول و ثروت دنیوی باشیم. (متی 6:24) خواستن لباسی بهتر، ماشینی زیباتر، خانه‌ای بزرگتر، اسباب بازی بهتر و موقعیتی بالاتر کاری ساده و آسان است. همه شما می‌توانید به این چیزها دست پیدا کنید اما اجازه ندهید که اهمیت این چیزهای دنیوی از اهمیت خداوند برایتان بالاتر رود. به جای آن، از آن‌ها برای خدمت کردن به خداوند و مراقبت از بندگان او استفاده کنید. اگر به خاطر داشته باشید، در جلسه قبل یاد گرفتیم که چگونه می‌توان با اعتماد به خداوند، از مردم محافظت کرد. (متی 6:33) مسیح گفته است تنها خدای یکتا را پرستید و بندگی او را کنید. (لوقا 4:8)

من تنها بندگی خداوند حقیقی را می‌کنم و او را در اولویت‌های زندگی خود قرار می‌دهم.

نتایج شماره 13

مدتی گذشت، حال معلم بهتر شد، اما به طول کامل سلامتی خود را بدست نیاورد. روزی حال معلم بار دیگر رو به وخامت رفت و ناگهان حرف‌های کشیش را نزد معلم آورد. آن‌ها برای معلم نماز خواندند و معلم به طور کامل شفا یافت. او قلباً به دین مسیحیت روی آورد Kip را به خاطر آورد. Kip و به قدرت خداوند آگاه شد.





فعالیت شماره 13

شناسایی پلاک

Belonging to God



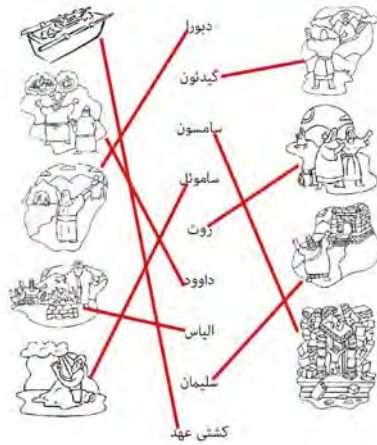
نمونه ای از طرح تصویر روبرو که نمادی از پلاک رزمندگان است، در اختیار دانش آموزان قرار دهید. هر دانش آموز باید اطلاعات یا چسب نواری بپوشاند تا جنس آن مقاوم تر شود. Contac و تصویر مربوط به خود را بر روی آن بنویسد و سپس آن را با کاغذ با استفاده از یک زنجیر، روبان یا نخ، کاغذ را از گردن خود آویزان نماید. این کار به شما کمک می کند تا به یاد داشته باشید که به حضرت مسیح و خدای یکتا تعلق دارید.

زمانبندی شماره 13

اتفاقات بین حضرت ایلیا و مبلغان دروغین در چه سالی اتفاق افتاد؟ تقریباً در سال 866 قبل از میلاد.

پاسخ پازل شماره

ح	ف	ا	ر	ه	م	ر	ک	د	ن	ه	ا	ن	ا
ا	ش	ن	ی	ح	ا	ت	ح	ا	ی	ت	ح	ا	ی
ل	غ	آ	غ	و	چ	و	ش	ب	و	ش	ر	غ	ی
ح	م	س	ن	ا	ل	ح	ن	ه	ج	و	ج	ی	ح
ا	ز	غ	ه	غ	ی	ن	ت	ی	چ	و	ا	ل	و
س	ت	م	ب	غ	ب	و	چ	و	ف	ب	و	ف	ب
ی	ن	ا	ن	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س
ح	م	چ	ک	س	و	آ	چ	ر	ج	ت	ه	و	ح
ن	د	ش	د	ه	د	ز	ن	د	ه	ش	د	ن	د
ل	ش	ا	غ	د	ر	آ	ن	و	غ	ه	ج	پ	ل



سوالات و پاسخ های شماره یک

(برای دانش آموزان بزرگتر)

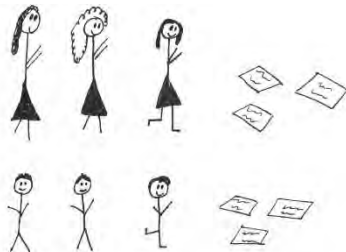
- چه چیزهایی وجود دارند که ما برای خدمتگزاری به خداوند می توانیم از آن ها استفاده کنیم؟ (در مکان های مختلف، شرایطی برای خدمتگزاری به خداوند وجود دارد، به عنوان مثال، در زمانی که مسیحی بودن چندان محبوب نیست، یا وقتی که خانواده تان به شما فشار می آورد و یا در زمانی که فستیوالی در مدرسه برگزار می شود. علاوه بر این می توانید از چیزهای دیگری نظیر پول، شهرت، محبوبیت، زیبایی، غذا، موقعیت، غرور، خودخواهی و غیره جهت کمک به خداوند استفاده کنید.
- خدای سایر مذاهب، در حقیقت چه هستند؟ (کتاب مقدس می گوید که این خدایان در حقیقت پروردگار حقیقی نیستند، بلکه شیطانی هستند که تلاش می کنند مردم را فریب دهند و ما را از خداوند یکتا دور سازند. کتاب مقدس همچنین می گوید که خداوند به قضاوت سایر خدایان خواهد پرداخت و آن





شیاطین را به درون آتش خواهد انداخت. ما انسان هایی که به مسیح اعتقاد داریم در کنار خداوند در بهشت ابدی زندگی خواهیم کرد. خداوند بارها و بارها در کتاب مقدس به ما گفته است که نباید بترسیم: در کل جهان هستی تنها باید از خدا واهمه داشته باشیم، اما فراموش نکنیم که او همیشه باماست و ما را دوست دارد. (1 قرنتیان 10:20، متی 10:28-31، مزمور 103:13، رومیان 8:31)

• آیا می توانم از خداوند درخواست تعطیلات کنم؟ (اعتقاد داشتن به خداوند و خدمت گزاری به او، چیزی نیست که یک روز انجام دهیم و روز بعد آن را کنار بگذاریم. در مورد آن با اشخاصی (بدون استفاده از نام ها) صحبت کنید که می بینید از خداوند اجازه تعطیلات گرفته اند.



بازی شماره 13

مسابقه لی لی

دو تیم تشکیل دهید و از آن ها بخواهید در یک طرف اتاق به صورت ردیفی بایستند. یکی یکی، دانش آموزان بر روی یک پا ایستاده و لی لی کنان به سمت دیگر اتاق می روند و یک کلمه را با خود حمل میکنند « ما تنها خدا را عبادت می کنیم.» اولین تیمی که زودتر تمام کند، برنده است.



حضور شماره

کارت های امروز را به بچه هایی که در کلاس حضور داشته اند، بدهید. از آن ها تقدیر کنید و جهت حضور در کلاس هفته بعد و دریافت کارت حضور بعدی، آن ها را تشویق کنید، زیرا با این کارت ها می توانند بازی قهرمانان را انجام دهند! عنوان کارت امروز عبارت است از:

Fuego de Dios

تکالیف شماره

به چیزهای مورد علاقه خود فکر کنید، مانند یک عروسک، یک لباس خاص، یک کیف، پول و غیره. فکر کنید که چگونه با استفاده از این وسایل می توانید به خداوند یا شخص دیگری خدمتی کنید. اگر یک عروسک است، می توانید آن را برای بازی کردن به دوست خود قرض دهید. اگر لباس است و خواهر یا برادر جوانتر از خود دارید که می تواند از این لباس استفاده کند، به او قرض دهید. اگر جسمی فیزیکی نیست، به عنوان مثال استعداد یا برنامه مطالعاتی خاصی دارید، نماز بخوانید و به خداوند بگویید: « خدایا، این استعداد، دانش، توانایی، آرزو و ... متعلق به توست. لطفاً به من نشان بده که چگونه با کمک آن می توانم به تو و دیگر بندگان کمک کنم.»
اختیاری: اگر در جایی زندگی می کنید که خانواده یا جامعه تان خدای متفاوتی دارند، سعی کنید که در آن جمع ها حضور نداشته باشید. اگر مجبورید که شرکت کنید، از خداوند بخواهید که حافظ شما باشد و در چنین شرایطی به شما کمک کند. خداوندی که از همه کس و همه چیز قدرتمندتر است، نظاره گر قلب شماست.

بدون نیاز به خواندن چیزی

